

مردم شهر سنندج به اعدام نه گفتند

صفحه ۶

نسرین رمضانعلی



محاسبات ریاضی استاندار کردستان

صفحه ۳

عبدال گلپریان

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد انتخاب مجدد روحانی

صفحه ۷

پیام حزب کمونیست کارگری در شب همبستگی با کارگران معدن یورت در استکهلم ۱۹ مه ۲۰۱۷

صفحه ۷

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۸

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۹

عزیزه لطف الهی

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان خطاب به مردم کردستان: در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی شرکت نکنید.

صفحه ۱۰

برای من اینها بخشی از گذشته پرافتخار مبارزاتی ام هستند

صفحه ۱۱

مینا احدی

تحولات آتی در پرتو آناتومی "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران



محمد آسنگران

نگاهی به آرای مردم
بخش قابل توجهی از مردم ایران در انتخابات جمهوری اسلامی شرکت کردند. طبق آمار خود جمهوری اسلامی که اعتمادی به آن نیست ۴۱ میلیون رای داده اند. طبق این آمار رژیم معلوم است بیش از ۱۵ میلیون هم شرکت نکرده اند. بیش از یک میلیون هم رای باطله به صندوق ریختند. رای باطله به این معنی است که رای دهندگان هیچکدام از کاندیداهای رژیم را قبول نداشته اند اما به دلایل مختلفی ناچار شده اند پای صندوق رای بروند. با این حساب بیش از ۱۶ میلیون رای نه به کلیت رژیم داده اند. اینها را تحریمها میگویند. در ایران امروز ۱۶ میلیون رای ندادنشان نه به دلیل بی تفاوتی بلکه معنی سیاسی روشنی دارد. معنی این آرا نه گفتن قاطع و روشن به کلیت جمهوری اسلامی است. رسانه ها و قشر تحصیل کرده و تحلیلگران

صفحه ۲

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، انتخابات یک اسم بی مسمای برای یک معرکه گیری است. روحانی و همه رئیس جمهورهای قبلی رژیم اسلامی در نتیجه این معرکه "انتخاب" شده اند. میگویم معرکه زیرا کسی نیست که نداند آنچه در ایران اسمش را انتخابات گذاشته اند هیچ شباهتی به انتخابات کشورهای دیگر ندارد. حتی اگر بخواهیم نه با اروپا و آمریکا بلکه آنرا با انتخاباتهای پاکستان و ترکیه و... هم مقایسه کنیم قابل مقایسه نیست. اما در همین چهار چوب هم لازم است مسئله رای دادن و ندادن را بررسی کنیم تا متوجه حقایقی بشویم.

خبری خوب و موفقیتی مهم در مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت فعالین کارگری، معلمان و دیگر عرصه های اجتماعی

صفحه ۴

نسان نودینیان

تبرئه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد یک گام رو به پیش در مبارزه علیه امنیتی کردن فعالینهای صنعی و مدنی است

صفحه ۶

اتحادیه آزاد کارگران ایران

در مورد همراهی شش حزب کرد با همدیگر!

صفحه ۱۲

دو سؤال از محمد آسنگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تحولات آتی در پرتو ...

محدودنگر آگاهانه یا ناآگاهانه این بخش آگاه و مخالف کلیت رژیم را اصلا بحساب نمی آورند تا نشان بدهند ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی هم مثل کشورهای غربی است و مردمی که پای صندوق رای نمیروند نباید در آمار و تحلیل از انتخابات جایگاه محسوسی داشته باشند.

اما همین طیف تحلیلگر مدعی هستند که مخالفین جمهوری اسلامی و فراخوانیانشان شکست خورد و مردم به آنها پاسخ ندادند. معلوم است این يك دروغ بزرگ است. زیرا این تحلیلگران با هر منفعت و دیدگاهی که دارند دوست دارند اپوزیسیون و آنهایی که به مردم فراخوان دادند رای ندهید را نادیده بگیرند. انگار رای اینها که نه گفتن قاطع و روشن به جمهوری اسلامی است فقط وقتی باید محسوب شود که هیچکس پای صندوق رای نرود. اینها اما رای هاشمی طبا و میرسلیم را که کمتر از رایهای باطله است حساب میکنند و در تحلیل خود جایی برای آن باز میکنند.

این آمار و ارقام فوق به ما نشان میدهد علیرغم تمام ترندهای جمهوری اسلامی حدود ۴۰ درصد از مردم به این رژیم و کاندید هایش "نه" گفته اند. علاوه بر این کسانی که به روحانی رای دادند و آمار آنها را ۲۳ میلیون اعلام کردند با هر تعبیری که داشته باشیم اکثریتشان خود را مخالف جمهوری اسلامی میدانند. بخشی از آنها اما همراه رژیم هستند. (اصلاح طلبان حکومتی، آقازاده ها، بخشی از بسیج و سپاه و قشر رانتخوار و حاشیه جمهوری اسلامی را اگر جدا کنیم و مدافعین روحانی بنامیم) بقیه که اکثریت رای دهندگان را شامل میشوند و اصطلاحا به آنها رای های خاکستری میگویند به دلیل عامل ترس و جلوگیری از بدتر شدن اوضاع قانع شدند با رای دادن به روحانی از نظر خودشان به جناح خامنه ای و اصولگرا "نه" بگویند. بنابر این نه گفتن به رئیس و خامنه ای و سپاه و بیت رهبری و قوه قضائیه و بسیج و... را نباید به معنی آری به روحانی ترجمه کرد. کسی که این تبیین را داشته باشد یا

روانشناسی مردم ایران را نشناخته است یا آگاهانه تلاش میکند رژیم را تقویت کند.

باز هم طبق آمار جمهوری اسلامی که اعتمادی به درست بودنش نباید داشت حدود ۱۵ میلیون به رئیسی رای دادند. این ترکیب هم منهای عوامل رژیم، بخشهای از سپاه و بسیج، متوهمین به مذهب، رانتخوارها و آقازاده ها، اکثریت آنها نباید پایگاه اجتماعی اصولگرایان محسوب شوند. زیرا بخش عمده همین افراد کسانی هستند تحت تاثیر تبلیغات پوپولیستی توزیع پول قرار گرفتند. بویژه قشر بسیار فقیر و عقب مانده جامعه که هیچ امیدی به آینده خود ندارند قول توزیع پول آنها را پای صندوقهای رای برد. اینها هم بخشی از جامعه هستند که از ترس بدتر شدن اوضاع زندگیشان به رئیسی رای دادند. ناگفته نماند کسانی هم از حرص تبلیغات دروغ اصلاح طلبان که گویا تفاوت عجیبی بین روحانی و رئیسی هست یا آرزو میکردند که این لولو خرخره رای بیاورد تا معلوم شود تفاوت زیادی با هم ندارند یا حتی از روی عصبانیت به رئیسی رای دادند. اینها فاکت است و من از زبان کسانی شنیدم که یا خودشان این کار را کرده اند و یا شاهد چنین مواردی بوده اند.

عامل ایجاد ترس و نگرانی در رای مردم تعیین کننده بود

اکثریت رای دهندگان به روحانی با توجه به عامل ترس و نگرانی از بدتر شدن اوضاع تحت تاثیر قرار گرفتند و پای صندوق رای رفتند. قشری از مردم گرسنه و بدون امید هم از ترس گرسنگی و بی آینده گی تحت تاثیر تبلیغات پوپولیستی توزیع پول قرار گرفتند و به رئیسی رای دادند. بنابر این اگر قشر عقب مانده و محافظه کار حاشیه رژیم و عوامل و وابستگان به رژیم را به عنوان پایگاه اجتماعی جمهوری اسلامی محسوب کنیم متوجه میشویم که اکثریت قاطع رای دهندگان در نتیجه عامل ترس و نگرانی از آینده ناچار به رای دادن شده اند.

این اکثریت پراگماتیست خود را قانع کردند که دماغشان را

بگیرند و رای بدهند. اکثریت مردمی که به روحانی رای دادند بوسیله اصلاح طلبان حکومتی و رسانه های فارسی زبان مانند بی.بی.سی. و جریانات و افراد سیاسی پرو رژیم، بمباران تبلیغاتی شدند تحت تاثیر عامل ترس و نگرانی از بدتر شدن اوضاع قرار گرفتند. آنها نگرانی خود را پنهان نکرده و با هزار زبان اعلام کرده اند حالا که نمیتوانند تکلیف کل رژیم را یکسره کنند در عین حال نمیخواهند جناح خامنه ای قادر مطلق باشد. زیرا آلترناتیو دیگری که بتواند فوری مانع بدتر شدن اوضاع شود یا اوضاع را بهبود ببخشد در میدان نبود. بنابر این مردم ناچار شدند در این مرحله بین بد و بدتر نگذارند بدتر قادر مطلق بشود. تصور اینکه با آمدن رئیسی تحریمها دوباره باز میگردند و تهدیدها علیه ایران شدت خواهد گرفت تا اینکه ممکن است ایران سوریه و عراق و یمن بشود و... این قشر از مردم با هر گرایش سیاسی که داشتند را ناچار به رای دادن کرد. این رای ناچاری را نباید به حساب پایگاه رژیم اسلامی و رای آری به روحانی محسوب کرد.

با توجه به نکات فوق باید واقع بینانه و بدون از تهییج ایدئولوژیک این حقایق را دید و تحلیل کرد و راه نشان داد. زیرا مردم میدانند که نصف جمعیت ایران به جرم زن بودن از کاندید شدن برای ریاست جمهوری قانونا محروم هستند. میدانند که این رژیم عامل فساد و دزدی و خشتورن و کشتار است. میدانند که طبق قوانین جمهوری اسلامی تمام ارگانهای اصلی قدرت در دست جناحی است که انتصابی و تابع ولی فقیه است. میدانند که از میان ارکان رژیم اسلامی فقط قوه اجرایی و قوه مقننه شامل همین انتخابات فرمایشی میشوند. میدانند...، اکثریت مردم رای دهنده علیرغم دانستن این حقایق رای دادند. بنابر این دو عامل اصلی و تعیین کننده در این پروسه نقش داشتند. یکی ایجاد ترس از آینده و دیگری عدم وجود يك آلترناتیو قدرتمند که مردم بتوانند به آن اعتماد کنند و رژیم را مستقیم با اتکا به آن مورد تعرض قرار بدهند.

اما احزاب و جریانات سیاسی پرو رژیم و آن قشر هنرمند و ادیب و

سیاسی کاری که بلندگوی رای دادن به جمهوری اسلامی و یا جناحی از آن شدند، حساسشان از مردم پراگماتیست جدا است. این قشر ریاکار، دروغگو و منفعت طلب و مرتجع را باید در کنار رژیم و عوامل مستقیم و غیر مستقیم رژیم دانست. فرخ نگهدار و مسعود بهنود و مصطفی مدنی و خزعلی و گنجی و ابراهیم نبوی و کشتگر و عطا الله مهاجرانی و زیبا کلام و... را جز طیف اصلاح طلبان حکومتی و نان به نرخ روز خور و فرصت طلب و حامی رژیم باید حساب کرد. طول عمر اینها به اندازه عمر همین رژیم اسلامی است. پایان جمهوری اسلامی پایان نقش پادوی این طیف هم هست.

زیرا این طیف میدانند و آگاهانه در کنار رژیم قرار گرفته است. اینها بهتر از هر کسی میدانند که پنجا درصد جمعیت به جرم زن بودن قانونا از حقوق اولیه کاندید شدن محروم میباشند. اینها میدانند از میان پنجاه درصد باقی مانده منتسبین به مذاهب دیگر مانند سنی و بهایی و یهودی و مسیحی و زرتشتی و... هم از این حق محروم هستند. میدانند همه بی خدایان نه تنها حق کاندید شدن ندارند کافر محسوب میشوند. میدانند مردم منتسب به کرد و عرب و بلوچ و... هم به جرم انتساب به ملیت و اقوام غیر خودی حق کاندید شدن ندارند. میدانند نه تنها فعالیت احزاب سیاسی ممنوع است بلکه آزادی بیان و تشکل و تحزب برای همه مخالفین و حتی مخالفین نیم بند حاشیه رژیم هم ممنوع است.

علاوه بر محرومیت زنان از کاندید شدن که ۵۰ درصد جمعیت هستند با نگاهی به این لیست بالا و محرومیت و ممنوعیتهای فوق در قوانین جمهوری اسلامی حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران باقی میمانند. در میان این ۳۰ درصد هم کسانی میتوانند کاندید شوند و از صافی شورای نگهبان عبور کنند که پیرو مذهب شیعه اثناعشری و متعهد به نظام اسلامی و قوانین آن باشند. کاندید مورد نظر رژیم، باید سرسپردگی خود را به اثبات رسانده باشد و تعهد عملی به ولی فقیه داشته باشد. ارگان تشخیص این تعهد عملی با شورای نگهبان است. به همین دلیل از میان بیش از

۱۶۰۰ کاندید فقط ۶ نفر از سران و مقامات نرینه جمهوری اسلامی که ویژگیهای مورد نظر شورای نگهبان و قوانین اسلامی را داشتند از امتحان شورای نگهبان قبولی گرفتند. این یعنی حق کاندید شدن محدود به تعدادی جانی و قاتل است که قبلا از مقامات رژیم بوده و دستچین شده باشند.

پروسه انتخابات در جمهوری اسلامی به شکلی طراحی و قانونی شده است که در دنیا بی نظیر است. زیرا ابتدا رژیم از میان مقامات خود تعداد چند نفر متعهد به خود را دستچین میکند و به مردم میگوید از میان این چند نفر قاتل و دزد که ما تعیین کرده ایم انتخاب کنید. معلوم است علیرغم اختلاف جناحهای جمهوری اسلامی بر سر ریاست قوه اجرایی کشور برسند نظام جمهوری اسلامی مشکلی نخواهد داشت. کسانی که مبلغ شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی بودند، میدانند و آگاه هستند که به هر کدام از کاندیدها رای داده شود در چنین معرکه ای که توضیح دادم دخیل شده اند. ما از روز اول قدرتگیری جمهوری اسلامی، اعلام کرده ایم در این سیستم و قوانین اسلامی هیچ مقام و پستی مشروعیت رای مردم را ندارد. چون انتخابات در این سیستم بی معنی است. چون مقامات جمهوری اسلامی بر اساس شریعت اسلام به خود مشروعیت میدهند نه از رای مردم. این پروسه يك پروسه انتصابات است نه انتخابات. اما در يك نمایش مضحک به اسم انتخابات آترا به امضای بخشی از مردم میرسانند و اسمش را رایگیری و انتخابات میگذارند.

این در حالی است که رای گیری و انتخابات در جامعه ای مشروعیت مردمی پیدا میکند که هم احزاب و هم مطبوعات و هم آزادی بیان وجود داشته باشد. محدودیتی بر فعالیت آنها نباشد و هر کسی بدون محدودیت حق کاندید شدن داشته باشد. معلوم است هیچکدام از این موارد در جمهوری اسلامی رعایت نمیشود. کسی که شو سیاسی را انتخابات بنامد اگر احمق نباشد ریاکار است. این مقدمه فوق پاسخ به کسانی است که مبلغ شرکت در

از صفحه ۲ تحولات آتی در پرتو ...

انتخابات رژیم شدند و علیه احزاب و جریانهای کف چرانی کردند که به مردم گفتند رای ندهید و به این نمایش مضحک نه بگویید.

کسی مانند فرخ نگهدار و مصطفی مدنی از رهبران سابق سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از آن دسته افرادی هستند نه تنها سقوط سیاسی بلکه سقوط اخلاقی آنها به مزدوری و پادویی شباهت دارد. مدنی نوشته است: "از نظر من شرکت در انتخابات کنونی و رأی به حسن روحانی تنها راه ممانعت در ورود رئیسی و قدرت گیری هرچه بیشتر اصول گراهای افراطی است... با انتخاب روحانی نه زندانها کوچک تر می شود و نه سفره کارگران بزرگتر. در بهترین حالت وضع موجود باقی میماند. با انتخاب رئیسی اما اطمینان دارم هم زندانها بزرگتر می شود و هم سفره ها کوچکتر...."

این نکات را کسی نوشته است که همراه یار غارش نگهدار و کشتگر دوره ای خود را رهبر اپوزیسیون میدانستند. این استدلال همان استدلال روحانی و مهدی خزعلی و تاج زاده و خاتمی و... است. بنابر این حق داریم به اینها بگوییم ریاکاری بس است. دشمنی با مردم عاقبت خوبی برای شما رقم نخواهد زد. واضح است آنکه حقیقت و هدف از این نمایش مضحک به اسم انتخابات را نمی داند نادان است، اما آنکه حقیقت را میداند و آنرا توجیه و قابل پذیرش میکند اگر مزدورهم نباشد فریبکار است.

چرا جناحهای رژیم توانستند فضای تری بر جامعه را حاکم کنند؟

سوال مهم و شاید مهمترین سوالی که اپوزیسیون سنتی تمایلی به پاسخ دادن به آن ندارد این است چرا دشمنان مردم، با توجه به تاریخ سیاه و پر از جنایت و کشتاری که در پرونده خود دارند و با توجه به این همه فقر و فلاکت و فساد و دزدی که در پرونده دارند، توانستند فضای ترس و نگرانی از آینده را بر جامعه حاکم کنند؟ پاسخ مختصر و روشن از نظر من این است که علیرغم وجود خواست و آرزوی میلیونی برای سرنگون کردن این

خواهی کنند. هدف روحانی و شرکایش این است که با اتکا به روشناسی مردم ترس و نگرانی مردم را بالا ببرند که به آنها رضایت بدهند. تا بگویند مسئول آن تاریخ سیاه و هلوکاست اسلامی فقط یک جناح در جمهوری اسلامی بوده که هنوز بر ادامه آن پا میفشارد. این در حالی است که همه سران رژیم بدون استثنا در آن جنایات دیروز و فساد و دزدیها و سرکوبهای امروز شریک هستند.

اینها نه تنها خودشان را منتقد و مخالف آن هلوکاست اسلامی نمیدانند بلکه شریک جرم هستند و بارها از آن دفاع کرده اند. نه تنها دیروز بلکه همین امروز همه اینها دستشان به خون مردم معترض آغشته است و زبان و سیاستی بجز سرکوب و تحمیل فقر بر مردم نمی شناسند. اما در رقابت بر سر قدرت و ثروت گوشه های کوچک و کم اهمیت تری را در جریان انتخاباتهای درونی بعد از حدود چهار دهه به شهادت میگیرند تا در دل مردم ترس و دلهره از بازگشت آن جنایات و آن سیاهی و بدتر شدن اوضاع فعلی بکارند. هنگامیکه روحانی میگوید "اینها فقط اعدام و زندان بلند" منظورش بطور سر بسته این است که اگر به من رای ندهید آن تاریخ دوباره تکرار میشود و اوضاع امروز از دست میرود و بدتر میشود.

در این راه البته از شکست خوردگان و هم جنبشهای خود بهره میگیرند. کسی مثل خان ماهباز از سازمان اکثریت نامه سرگشاده به زن رئیسی نوشت و اعلام کرد همسر شما همسر من را اعدام کرده است. هدف او افشاگری از جمهوری اسلامی نبود. بلکه هدفش مایه گذاشتن از خون ریخته شده یک قربانی هولوکاست اسلامی بود که بتواند با سواستفاده از خون ریخته شده او جناح روحانی را تقویت کند. بدون شک اگر آن قربانی جان باخته اکنون میتوانست سخن بگوید احتمالا به خان ماهباز میگفت شرم کن. به صرف رابطه سببی با من نمیتوانید مجریان هولوکاست اسلامی و قاتلین من را به خوب و بد تقسیم کنید. زیرا همه اینها در آن دوره یک

صفحه ۴

محاسبات ریاضی استاندارد کردستان



عبدل کلپریان

بعد از پایان نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی مقامات و کاربدستان این حکومت در کردستان و در سراسر کشور همگی بسیج شدند تا با ارائه آمار و ارقام و یک سری محاسبات ریاضی غلط و دروغین به افکار عمومی بگویند که اینک نظامشان مشروعیت دارد. رسانه های حامی این رژیم همچون آیت الله بی بی سی نیز تمام توان خود را بر مبنای همین محاسبات و شرکت در سیرک انتخاباتی جمهوری اسلامی متمرکز کردند. برخی از افراد و شخصیتهای به اصطلاح هنرمند نیز در این دور از نمایش به مجیزگوی حکومت اسلامی تبدیل شدند.

مضحک تر از همه اظهارات عبدالحمید زاهدی استاندار کردستان در پایان این معرکه گیری بود که در قامت رئیس اداره آمار و با ارائه ۲۱ رقم از اعداد و شماره ها که بخش زیادی از سخنانش را تشکیل میداد، این نتیجه را بدست داد که گویا ۵۹ درصد مردم کردستان پای صندوقهای رای رفته اند.

هدف از این نوشته پرداختن به اراجیف مهندسی شده و جعلی آمار از سوی کاربدستان حکومت اسلامی نیست. کارنامه حکومت اسلامی در این زمینه برای افکار عمومی خارج و داخل اظهارمن الشمس است.

در حالی زاهدی با محاسبات ریاضی به ارائه رقم ۵۹ درصدی می پردازد که اکثریت مردم شهر و روستاهای کردستان نه تنها نمایشات انتخاباتی رژیم اسلامی را به تمسخر میگیرند بلکه هیچگاه این حکومت را برسمیت نشاخشند.

بیش از ۱۶ میلیون از مردمی که در این نمایش شرکت نکردند در حقیقت به سرنگونی حکومت اسلامی رای دادند. درصد این رقم در کردستان نیز قابل تخمین است که اکثریت مردم رای شان سرنگونی این نظام است. بخشی دیگر از مردم هم که شرکت کردند، (جدای از پادوهای خود رژیم) تلاششان برای تضعیف نظام اسلامی برای مصافهای بعدی در جریان اعتراضاتشان است.

قرار نبود روز ۲۹ اردیبهشت اتفاق خارق العاده ای برای بیرون آوردن یکی از قاتلان مردم از صندوقها رخ دهد. ولی فقیه هم قادر نبود با چپاندن رئیسی در داخل صندوق، ۸۸ دیگری را تجربه کند و سوت پایان نظام را به جنبش سرنگونی اعلام کند. اکنون آنچه که بعنوان دستاورد و اندوخته بیش از سه دهه مبارزه مردم و نه گفتن به حکومت اسلامی برای مصافهای روزهای آتی خلق شده است، تداوم مبارزه ای کوبنده تر از قبل از "انتخابات" است. علیرغم اینها، پروسه مناظره ها نشان داد که شش مهره الك شده نظام فراتر از هر واقعه ای در تاریخ نظام اسلامی، اوج فساد، دزدی، کلاشی و عدم مشروعیت نظام اسلامی را به مردم تشنه آزادی، رفاه و برابری معرفی کردند. مردم نسبت به روزهای قبل از نمایش انتخاباتی رژیم، پر توقع تر، طلب کارتر، تعرضی تر و حق بجانب تر به میدان خواهند آمد.

بگذار استاندار کردستان و دیگر مقامات حکومت اسلامی ترشحات عوامفریبانه آمار و ارقام جعلی و نهادینه شده شان را در اوج استیصال جار بزنند. آنچه که روزها و ماههای پیش رو از نتایج این مصاف خواهیم دید همانا توقعات بالای مردم با اتکا به حضور گسترده تر از قبل برای دست یابی به خواستها و مطالباتشان خواهد بود.

اگر در شهرهای کردستان حکومت اسلامی از هیچ گونه مشروعیتی برخوردار نیست، در سراسر کشور اما تحمیل عقب نشینی های پی در پی به حکومت اسلامی این دورا همچون پلی برای زیر کشیدن نظامی که نزدیک به چهار دهه تباهی آفریده است به هم گره خواهد زد.

۱ خرداد ۹۶

۲۲ مه ۲۰۱۷

از صفحه ۳ تحولات آتی در پرتو ...

خبری خوب و موفقیتی مهم در مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت فعالین کارگری، معلمان و دیگر عرصه های اجتماعی



نسان نودینیان

عدالتخواهی در ایران است» به هر درجه کارزار علیه امنیتی کردن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کلی کشور" تقویت و به عرصه ای توده ای در مبارزه کل جامعه تبدیل شود، به هر درجه این کارزار بتواند فشارهای بیشتر و کارسازتری را به دستگاه قضایی و امنیتی حکومت اسلامی وارد کند، جبهه عدالتخواهی و دفاع از آزادی بیان و تشکل تقویت میشود.

آزادی فوری اسماعیل عبدی، آتنا دائمی و ده ها نفر از فعالین کارگری و معلمان را باید به عرصه اصلی مبارزه در سطح داخلی و بین المللی تبدیل کرد. اگر پذیریم که در این دوره با انتشار بیانیه عبدی - عظیم زاده و طرح خواست خارج کردن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" سنت مبارزاتی معینی شکل گرفت، به مرور برای ایجاد تشکل و هماهنگی سیاسی - طبقاتی موثر گام بر میداریم. ادامه این کارزار تا لغو احکام امنیتی فعالین کارگری و معلمان و همبستگی کارگران و معلمان بخشی از نتایج شرایط اعتراضی کنونی خواهد بود.

۱ خرداد ۱۳۹۶
۲۲ می ۲۰۱۷

دیگر جعفر عظیم زاده که قبلا به همین اتهامات، در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ۶ سال حبس محکوم شده، اعاده دادرسی خواهیم کرد و امیدواریم در آن مورد هم حکم برائت صادر شود.

.....

کارزار علیه امنیتی کردن فعالین مدنی - اجتماعی با بیانیه عبدی - عظیم زاده شروع شد. این کارزار با خواست خارج کردن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور" شکل گرفت و به گفتمان سیاسی - اعتراضی در صفوف کارگران، معلمان و فعالین این عرصه ها تبدیل شده است. از همان آغاز این کارزار فعالین کارگری و طیف وسیعی از معلمان از این کارزار و خواست خارج کردن اتهام "امنیتی" با نوشتن مقاله و با جمع آوری امضاهای حمایتی، عملا به این کارزار پیوستند، در جهت تقویت و گسترده کردن آن آگاهانه تلاش کردند و بدرست به عرصه ای از مبارزه و مشغله کارگران، معلمان و فعالین مدنی - اجتماعی تبدیل شد.

خبر تیرنه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را از اتهامات اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ کارزار است. بقول جعفر عظیم زاده: «وارد کردن اتهامات امنیتی به اعتراضات کارگران و معلمان، و پرونده سازی امنیتی برای فعالین صنفی و مدنی در ایران ابزار اصلی در واقع مقابله با هر نوع

خبر؛ اتحادیه آزاد کارگران ایران: محمدعلی جداری فروغی در تماس با ایلنا: دو فعال کارگری تیرنه شدند محمدعلی جداری فروغی از تیرنه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را از اتهامات اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام خبر داد.

محمدعلی جداری فروغی (وکیل جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را) در تماس تلفنی با ایلنا گفت: به موجب دادنامه صادره از شعبه هشت دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی (اراک) که صبح امروز (اول خرداد ماه) ابلاغ شد، جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را از اتهامات اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، تیرنه شدند.

این وکیل دادگستری افزود: قضات شعبه هشت دادگاه تجدیدنظر در حکم صادره، فعالیت‌های موکلین را صنفی و در چهارچوب قانون تشخیص داده‌اند؛ در دادنامه صادره، صریحا آمده است: «... با توجه به این که اقدامات مشارعلیهما به جهت احقاق حقوق قانونی بوده، مجموعه اقدامات انجام شده با هدف برهم زدن امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام تلقی نمی‌گردد...».

جداری فروغی گفت: لازم به ذکر است که موکلین پیش از این در دادگاه انقلاب اسلامی ساوه به اتهامات فوق به ۱۱ سال حبس محکوم شده بودند که با صدور حکم جدید و قطعیت آن، احکام قبلی منتفی است. او همچنین افزود: با توجه به صدور این حکم، در مورد پرونده

از لیبرال تا سکولار و حتی چپ را میتوان در این صف دید. از نظر طبقاتی هم به همین سیاق منافع متفاوتی دارند. با این وجود بخش بزرگی از این افراد خود را مخالف فرهنگ و سیاست و استراتژی حکومت اسلامی میدانند. خواهان یک زندگی مدرن و غربی و لیبرال و مرفه هستند. ولی رای دادن آنها به آینده و برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع بود. این طیف مورد بحث از منطقی پیروی کردند که برای نه گفتن به جناح خامنه ای و سپا پاسداران به روحانی رای دادند. بنابر این منطقا رای آنها رضایت از روحانی نبوده و نیست. زیرا گزینه بهتر و انتخاب دیگری نداشتند. تنها راهی که وجود داشت مثل آن ۱۵ میلیونی که اسمشان را تحریم کنندگان نامیده اند و ما آنها را سرنگونی طلبان مینامیم نباید پای صندوق رای حاضر میشدند.

اما این طیف به این نتیجه رسیده بودند که با رای ندادن ممکن است جناح خامنه ای به قدرت مطلق و بدون رقیب تبدیل شود و مقابله با آن کار مردم را مشکل تر کند. در عین حال تجربه دوره احمدی نژاد این تصور را درست کرده بود با آمدن رئیسی اوضاع سیاسی و زندگی اقتصادی مردم بدتر خواهد شد. زیرا در دوران احمدی نژاد تحریمها و رابطه با دنیای غرب و دولت‌های منطقه دچار مشکلات بیشتری شده بود و تهدیدهای مکرر بر سر مسائل اتنی سایه سنگینی بر جامعه انداخته بود و مردم نگران بودند که جناح خامنه ای جامعه را دوباره به آن دوره برگرداند.

واضح است که تصمیم این بخش از جامعه همانند مسکن برای مقابله با درد بیمار سرطانی است که احتیاج به عمل جراحی دارد. ممکن است این مسکن برای کوتاه مدت درد را کمتر و قابل تحملتر کند. اما راه حل اصلی برای خلاصی از این سرطان بدخیم جراحی آن و خارج کردنش از بدن بیمار است. بیمار ممکن است از روی عدم اطلاع و عدم شناخت از تاثیرات و عواقب سرطان به مسکن پناه ببرد. اما دکتری که برای چنین بیماری فقط مسکن تجویز میکند فقط میتواند

جناح بودند و به دستور خمینی این کار را کردند. دوره ای که شما آنرا دوره طلایی مینامید. در همان دوره طلایی بود که هزاران انسان شریف و آزادیخواه را در زندانها قتل عام کردند. بدون شك هر کدام از آن قربانیان اگر میتوانستند سر از زیر خاک خاورها بر آورند فریاد میزدند به این سیرک مضمثر کننده اسلامی پایان بدهید. آن روزگاری که به دستور خمینی رئیسی حکم مرگ ما را امضا میکرد همین وزیر دادگستری آقای روحانی عزیز شما، پای آن حکم را امضا کرد و خود روحانی هم از اجرای همه آن کشتارها رضایت خاطر داشت. اگر امروز این قاتلان به جان هم افتاده اند به این دلیل نیست که جناحی به اسم اصلاح طلب و معتدل شکل گرفته است. برعکس تعدادی "اصلاح طلب و معتدل" شده اند که رژیمشان را نجات بدهند. به این دلیل است که جنبشهای اعتراضی و اجتماعی بویژه جنبش کارگری با قدرت در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است. به این دلیل است که اکثریت بالایی از مردم این جامعه بر خلاف حامیان روحانی در مقابل کل این رژیم ایستاده اند و کوتاه نیامده اند.

منطق و دلایل رای دهندگان به روحانی

قطعاً نه آنها که به روحانی رای دادند از یک جنس و از یک منطق واحد پیروی کردند نه آنهایی که رای ندادند از یک جنبش واحد هستند. اما یک حلقه اتصال مهم اکثریت رای دهندگان به روحانی و آن میلیونها نفری که رای ندادند را بهم وصل میکنند. این حلقه اتصال هم نارضایتی از وضع موجود و خواست بهتر زیستن و آزاد زیستن است. تفاوت و تنوع طبقاتی و سیاسی در میان هر دو طیف غیر قابل انکار است. زیرا جامعه ایران هم مانند هر جامعه طبقاتی دیگری مردم تحت تاثیر منطق و منافع طبقاتی و جنبشهای اجتماعی و سنتهای سیاسی هستند.

اما کسانی که به روحانی رای دادند علاوه بر تنوع گرایش سیاسی آنها که از اسلامی تا ناسیونالیست

کاندیداها و کنترل و دستکاری در شکل و مضمون برگزاری مناظره ها و تبلیغات کاندیداها همراه بوده است، باز هم به دلیل فشار از پایین و نارضایتی و توقع مردم از زندگی، حاکمان جمهوری اسلامی را ناچار میکند قدم به قدم خط قرمزهای دیروز را شکسته و افشاگریشان علیه همیگر به مرحله حساستری

مجدد روحانی و شکست کاندید جناح ولی فقیه در نتیجه این انتخابات، موقعیت جمهوری اسلامی و تعادل جناحهای آن متحول میکند.

نقش و تاثیر انتخابات در جمهوری اسلامی

انتخابات در جمهوری اسلامی هر چند با مهندسی تعیین

منتظر آخرین نفسهای بیمار باشد. بخشی از اپوزیسیون و شخصیت‌های شناخته شده که مردم را تشویق به رفتن پای صندوق رای کردند اگر حتی در دلسوزی آنها هم شك نکنیم همانند دکتری هستند که منتظر مرگ تدریجی بیمار باشد. نقش اینها با نقش مردم عادی و پراگماتیست کاملا متفاوت است. اما علیرغم این حقایق، انتخاب

از صفحه ۴ تحولات آتی در پرتو ...

برسد. از دوران دوم خرداد تا کنون انتخابات به يك كابوس خطر ناك برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. برای اولین بار جدال جناحهای حاکم با همدیگر از سال ۷۶ وارد مرحله تازه ای شد. از آن مقطع تا کنون هر کس از جناح مقابل بتواند تایید شورای نگهبان را بگیرد اگر تقلاب سپاه در آرای مردم نباشد، در مقابل کاندید مورد حمایت خامنه ای برنده خواهد شد. زیرا مردم میدانند با زدن جناح خامنه ای و سپاه، کل رژیم اسلامی تضعیف میشود.

جناح مقابل خامنه ای شامل ترکیبی از اصولگرایان سابق و یا همان اعتدالیون امروز بعلاوه اصلاح طلبان، برای رسیدن به اهداف خود از تاکتیک دوگانه ای پیروی میکنند. از يك طرف میخواهد اعتراض و توقع مردم علیه کلیت نظام را مهار کند و از يك طرف نفرت عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی را با ترندهای مختلف علیه جناح خامنه ای کانالیزه میکند. از طریق این تاکتیک دوگانه، هم موقعیت خود را در مقابل خامنه ای تقویت میکند هم برای حفظ نظام اسلامی در هر دوره ای از تاکتیک خاصی پیروی کرده است. این دوره از تاکتیک ایجاد ترس از آینده و بدتر شدن اوضاع بیشترین استفاده را کرد.

زیرا در دوره های قبیل فقط با اتکا به نفرت عمومی از جمهوری اسلامی و خامنه ای که اعمال و سیاستهای آنها مانع پیشرفت و بهبود زندگی مردم است استفاده میکردند و افکار عمومی را به سمتی کانالیزه میکردند که اگر اصلاح طلبان قدرت را بگیرند شرایط جامعه را بهتر میکنند. اما اینبار نفرت مردم از خامنه ای و سپاه را فرض گرفتند و مردم را از بدتر شدن اوضاع و برگشتن سیاست احمدی نژادی ترسانند.

اغلب رای دهندگان به روحانی نه به دلیل انتظار بهتر شدن اوضاع با وجود روحانی، بلکه از ترس بدتر شدن زندگیشان با آمدن رئیسی به روحانی رای دادند. بنابر این انتخاب از میان بد و بدتر این بار تفاوت مهمی به نسبت دوره های قبلی داشت. در انتخاباتهای قبلی

میگفتند ما از آنها بهتریم. اینبار میگفتند اگر آنها به قدرت برگردند اوضاع بدتر از امروز میشود.

اکنون بعد از اعلام نتایج انتخابات جناح خامنه ای دو راه پیش رو دارد. یا باید تسلیم جناح مقابل بشود که غیر ممکن است. یا باید به فکر مقابله سخت و دامنه داری بیفتد که شکست اش را جبران کند. زیرا جدال این دو جناح جدالی بر سر منافع و سهم بری از قدرت و ثروت و راه و روش ارتباط با کشورهای منطقه و جهان است. همچنانکه در مناظره ها گوشه ای از آن را به شکل افشاگری علیه همدیگر اعلام کردند. در عین حال با این نتایج تعادل قوای جناحهای جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی شده است. اکنون باید گفت اصلاح طلبان دوباره به قدرت باز گشته اند.

دوره اول ریاست جمهوری روحانی نمیشد اینرا گفت. اما اکنون هم طبق طبیعت اختلاف پست رئیس جمهور با ولی ققیه همانند دوره های گذشته و هم تغییر زبان و اهداف روحانی علیه جناح مقابل، معادله جدیدی در صحنه سیاست ایران بوجود آمده است.

در ۸ سال ریاست جمهوری احمدی نژاد توانستند اصلاح طلبان را تقریباً از قدرت کنار بگذارند. اکنون یکی بعد از دیگری دارند به قدرت برمیگردند. بدون شك این بار روحانی مشکل بتواند کسی مثل پور محمدی را در کابینه خود جا بدهد. زیرا اصلاح طلبان سهم بیشتری از قدرت و ثروت را طلب میکنند و روحانی هم خود را وامدار آنها میدانند و صراحتاً خود را در کنار خاتمی قرار داد. این تحول هر چند کند و قدم به قدم با تشدید جدال دو جناح پیش میرود، اما نباید شك کرد که اختلاف آنها با سپاه و خامنه ای شکل جدیتری بخود خواهد گرفت.

انقلاب بد است اصلاحات خوب است!

اصلاح طلبان و مدافعین روحانی بدون ابهام خود را ضد انقلاب میدانند. ما هم این اسم و صفت را لایق آنها میدانیم. شاید این تنها تزی باشد که بر سر آن توافق داریم. اما این طیف نان به نرخ روز

خورد و مسئله مهم و دو مقطع تاریخی مهم را دوست ندارند بیاد بیاورند. یکی اینکه اگر انقلاب ایران در سال ۵۷ به پیروزی نرسید و آنرا ملاحور کردند و در دهه ۶۰ شمسی با نسل کشی آنرا به شکست کشاندند و اسلامیش کردند، نتیجه قمه کشی همین اصلاح طلبان امروز و حزب الهی های دیروز و همراهی و کمک نیروهای جنبش ملی اسلامی به آنها بود. همین کسانی که امروز پشت سر روحانی صف کشیده اند، همانهایی هستند که پشت سر خمینی هم صف کشیده بودند. همان دوره اوایل انقلاب اگر سازمان چریکهای فدایی خلق اکثریت و سازمان مجاهدین خلق و حزب توده و نهضت آزادی و پشت سر خمینی قرار نمیگرفتند جمهوری اسلامی نمیتوانست به این شکل هولوکاست اسلامی را در ایران اجرا کند.

مقطع دوم سال ۲۰۱۱ است، که انقلابات موسوم به انقلابات بهار عربی یکی بعد از دیگری دیکتاتورهای منطقه را زیر ضرب گرفت و انقلاب را به ترم مقبول دنیا تبدیل کرد. در این دوره این خیل اصلاح طلب و ضد انقلاب در مدح انقلاب قلم فرسایی کردند. به محض شکست آن انقلابات این خیل دوباره به جای سابقشان برگشتند و گفتند انقلاب آخ و پیف است. چون جمهوری اسلامی را دیدیم که "انحصار طلب" است؟! اما همه این طیف بی پرنسیب اگر چه با اتکا به تجربه جمهوری اسلامی خود را ضد انقلاب میدانند در همان حال خود را مدافع حفظ نظام جمهوری اسلامی میدانند.

اما يك حقیقت ساده را باید به آنها یاد آوری کرد. آنهم این است که در کشورهای استبدادی با حاکمان دیکتاتور و به طریق اولی حاکمان اسلامی، نمیتوان دست به انقلاب نبرد. تجربه ۲۰ سال اخیر جمهوری اسلامی هم اینرا ثابت کرده است. زیرا رفقای اصلاح طلب خود را یکی بعد از دیگری از قدرت ساقط کردند و تعدادی را هم به زندان فرستادند. همین تجربه کافی است بگویم جمهوری اسلامی زبانی بجز زور در مقابل مردم نمیشناسد. زبان زور هم راه حل انقلاب سرنگونی طلبانه را در مقابل خود شکل میدهد. انقلاب چیزی نیست که بتوان آنرا با اراده این

یا آن حزب سیاسی خلق کرد. همه انقلابات دنیا يك منطق و ضرورت اجتماعی در مقابل قدرتهای مستبد بوده اند .

وظایف چپ در مقابل جمهوری اسلامی

در این بخش از بحث باید بگویم اپوزیسیون راست چه در سطح سراسری و چه محلی تنها ابزاری که برایش قابل دسترس و خودی است پناه بردن به ناسیونالیسم و قومپرستی غلبت و امید بستن به قدرتهای خارجی است. با توجه به تحولات تازه در کشورهای عربی و سیاست آمریکا در حمایت از آنها و همراهی اسرائیل در این تحولات علیه جمهوری اسلامی، در قدم اول کشورهای تحت نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه به میدان جدال تند و تعیین کننده آنها تبدیل خواهد شد. راست قومپرست محلی و ملی گرایان در بعد سراسری و جریان سیاهی مانند سازمان مجاهدین خلق میخواهند از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند .

اما چپ جامعه و کمونیستها همزمان با افشا و نقد اپوزیسیون راست ملی گرا و مذهبی، باید تبیین درست و واقع بینانه ای داشته باشد و برای مقابله با آن طرح و سیاست و تاکتیک تعیین کند. برای سرنگونی جمهوری اسلامی و وارد شدن به میدان اصلی تعیین تکلیف قدرت سیاسی خود را آماده کند. زیرا تحولات منطقه علاوه به تعادل جدید بعد از نتایج انتخابات موضوع جدال دو جناح حاکم خواهد شد. این جدالها قدم به قدم تشدید خواهد شد و میدان تعرض مردم را بیشتر فراهم میکند. برای وارد شدن به این میدان باید آماده شد زیرا تحولات عظیمی در منطقه و در خود ایران در راه است.

برخلاف تصور چپ حاشیه ای و کم توقع و محدودنگر که بعد از این انتخابات با احساس یاس میکند و یا تصور دقیقی از ابعاد این تحولات ندارد از نظر من تعادل قوای تازه در میان جناحهای رژیم نتیجه تحولات عمیقتری است که در اعماق جامعه اتفاق افتاده است. همچنانکه بالاتر گفتیم ما حتی فقط با تحولات و تعادل قوای جدید در میان دو جناح رژیم مواجه نیستیم. زیرا جناح سوم و قطب مردم و جنبشهای اعتراضی

برای خلاصی از این زندگی فلاکت بار و نا امن، ناچار است و باید با قدرت بسیار بیشتری وارد میدان بشود. این ققط يك فراخوان و آرزو نیست بلکه تامین معیشت و تامین امنیت جامعه تنها از این طریق ممکن است.

مولفه جدال منطقه ای و شکست داعش و تعیین تکلیف آینده عراق و سوریه در خارج مرزهای ایران تحولات مهمی را بوجود می آورد. این تحولات بدون تضعیف نقش جمهوری اسلامی در منطقه ممکن نیست. بنابر این روندهای پیش رو تاثیرات مستقیمی بر موقعیت جمهوری اسلامی دارد. جمهوری اسلامی تضعیف شده در خارج مرزها و جمهوری اسلامی شقه شده در داخل مرزها و گسترش مبارزات اجتماعی و طبقاتی در جامعه بیش از پیش تحولات مورد بحث را عیان میکند. جدال دو جناح رژیم تازه نیست. اما آنچه تازه است تعادل قوای تازه در منطقه و خارج مرزها به ضرر جمهوری اسلامی و تعادل تازه میان دو جناح حاکم رژیم، و تشدید اختلاف آنها با همدیگر از يك طرف و توان گسترش مبارزات و اعتماد بنفس مردم و نقش برجسته جنبش کارگری از طرف دیگر است.

اپوزیسیون چپ و آزادیخواه که مدعی انقلاب اجتماعی و تغییرات بنیادی در سیستم حاکم است و میخواهد اختلاف کوه ثروت و قدرت در مقابل دره عمیق فقر و بیحقوقی کل جامعه را از بین ببرد، باید سیاست و تاکتیک موثر در پیش بگیرد و به میدان تعیین تکلیف سیاست و قدرت پا بگذارد. این بخش از اپوزیسیون باید بر کمبودهای خود فایق آید و بداند که هنوز در متن بازی سیاسی بر سر قدرت جایگاه قابل اعتمادی برای جامعه پیدا نکرده است. چپی که مدعی برپایی جامعه ای انسانی، آزاد و مرفه در جامعه است و میخواهد همه شهروندان بتوانند از حقوقی برابر برخوردار باشند و آزادی و رفاه برای همگان به قانون تبدیل شود، نباید به این موقعیت فعلی و ادامه این ریتم کنونی فعالیت رضایت بدهد.

مردم شهر سنندج به اعدام نه گفتند



نسرین رمضانعلی

لازم به ذکر است در همین مدت در شهرهای کردستان بارها شاهد بودیم اولیای دم در آخرین و واپسین لحظات، طناب دار را از گردن فرد محکوم به اعدام برداشته اند. مردم علیه خشونت هستند. مردم آرامش و امنیت می‌خواهند. برای ایجاد آرامش و امنیت لازم نیست کسی اعدام شود. اعدام قتل عمد دولتی است. امروز در شهرهای کردستان همگام با سایر شهرهای ایران علیه اعدام جنبشی در جریان است که هر روز قوی تر میشود. به هر درجه این جنبش قوی شود جمهوری اسلامی با این احکام ضد انسانی اش مجبور به عقب نشینی میشود.

اینجا سخنی خطاب به خانواده محترم محمدی دارم ابتدا تا همینجا باید گفت اقدام شما ستودنی است. با چنین تصمیم آگاهانه ای برای متوقف کردن حکم اعدام همین نشان دادید که انسانیت با تمامی توحش این حکومت زنده است. شما نشان دادید که جامعه ای بدون اعدام امنیتش بیشتر است. اقدام شما ستودنی بود. همانطور که صدها پیام و نامه را از جانب مردم در سراسر دنیا دریافت کردید و اقدام شما را ستودند. از شما می‌خواهم و تقاضا دارم نگذارید همین اعدام شود. زندگی را به همین بازگردانید. هیچ جامعه‌ای امنیتش را با اعدام بازیافته است. همینجا شخصا از تمامی سازماندهندگان این حرکت انساندوستانه و از تمامی کسانی که تا اعلام تعویق حکم آسوده نشستند و همچنان در لغو کامل این حکم تلاش کردند، خسته نباشید می‌گیریم. باید گفت کارتان کارستان بود اقدامات شما کم نظیر بود. زنده باد جنبش علیه اعدام.

۲ اردیبهشت ۹۵

۲۳ مه ۲۰۱۷

دینار در سنندج هستند. همین در تک سلولی است و شاید آخرین امیدش را از دست داده است. یکی مینویسد، چهره پدر همین در هم شکسته است، اشک نیست خون گریه میکند، بغض میکند. مردم تنهایش نمی‌گذارند. همین مادرش را خیلی زود از دست داده بود. در واقع پدر تنها پدری نکرده است مادر بچه ها نیز بوده است. تلفن‌ها و پیشنهادها ادامه دارد. کسی بحث نمیکند. کسی طرح و نظر نمیدهد. همه سخت درگیر این هستند در این دیر وقت شب چه اقدامات دیگری میتوانند به پیش ببرند. احساس میکنید همه به جوهرهای عصبی هستند. ساعت حدودا ۳ بامداد دوشنبه ۲۲ ماه مه ۲۰۱۷ فعالین به همراه پدر پیر همین و بخش قابل ملاحظه ای از مردم در مقابل زندان مرکزی تجمع میکنند.

این تنها شهر سنندج و مریوان نیست که نارآم هستند. هر کسی که مطلع شده بیدار است. لحظه شماری میکنند و نگران هستند. نیروهای سرکوبگر ابتدا تلاش میکنند مردم را مقابل زندان پراکنده بکنند. بدون تردید با روشن شدن هوا مردم بیشتری از قضیه مطلع میشوند و به جمعیتی که مقابل زندان جمع شدند تا جان انسانی را نجات دهند، تا به اعدام نه بگویند خواهند پیوست. خانواده ابراهیم محمدی لحظه ها برایشان بدتر از کسانی که مقابل زندان هستند می‌گذرد. خانواده محمدی اعتقادی به انتقام ندارند. اما غمی بر دلشان سنگینی میکند. غم از دست دادن عزیزشان اما با تمامی سنگینی این غم مردم هستند حکم اعدام همین را امضا کنند یا نه. مرده هستند صندلی را زیر پای همین بیرون بکشند یا نه. حضور صدها نفر در مقابل زندان مرکزی و صیحتهای حاضرین در محل به ثمر نشست. خانواده محمدی حکم اعدام را متوقف میکنند. این تعویق فقط برای سه ماه است. فعالین کمپین بخشش، فعالین کارگری و مدنی همچنان در تلاش هستند لغو اعدام این جوان نهایی شود.

پرونده همین مصطفائی به سال ۱۳۹۲ برمیگردد. آنچه نقل میشود در یک نزاع خانوادگی ابراهیم محمدی به قتل میرسد. این پرونده جنجالیهای زیادی به دنبال داشت. اما آنچه که مشخص است بدلیل قتل عمد ابراهیم محمدی همین به ۴ سال زندان و به قصاص یعنی اعدام محکوم شد. در حالی که همین ۴ سال زندانش به پایان رسیده است. وی را روز یکشنبه به سلول انفرادی انتقال میدهند تا حکم اعدامش نیز اجرا شود.

مدتها است در شهرهای کردستان شاهد کمپینهای نه به اعدام، عفو و بخشش هستیم. عصر روز یکشنبه خبر بدست فعالین این کمپین و همچنین فعالین کارگری، مدنی، زیست محیطی و چهرهای شناخته شده و مورد اعتماد مردم میرسد. خبر وسیعا در سطح شهرهای مریوان، سنندج و کانی دینار پخش میشود و تلاش برای نجات جان همین آغاز میشود. فعالین یکی از مساجد را انتخاب میکنند که در این محل جمع شوند. به سرعت دهها نفر در این محل تجمع میکنند. کمپین از مدیای اجتماعی استفاده میکنند. در گروههای تلگرامی وسیعا خبر اعدام قریب الوقع همین و تقاضا برای نجات جانش رسانه ای میشود. همزمان با تلاشهای فعالین برای جمع شدن در مسجد فراخوان برای جمع شدن راس ساعت ۴ بامداد داده میشود. بدون تردید هزاران نفر این شب را تا اعلام خبر تعویق اجرای حکم نخواهند دید. افراد صاحب نفوذ و با اتوریته به دیدار خانواده ابراهیم محمدی رفتند و از آنها تقاضا کردند که این حکم اجرا نشود. آنها به خانواده مقتول گفتند با اعدام یک نفر نمیتوان غم و اندوه از دست دادن عزیزشان را کم کنند.

جمعیتی در مسجد هستند، تعدادی رفتند خانه استراحت کنند. اما در مدیایی اجتماعی حضور دارند. یکی میگوید وقتی به آشنایان زنگ میزنیم دست بکار شوند و برای مقابله با اعدام کاری کنند، کسی سوال نمیکند چه جرمی مرتکب شده است. سریع جواب میدهند چه کمکی از دستمان برمیآید. تعدادی از مریوان و کانی

تبرئه جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را در یک گام رو به پیش در مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی است

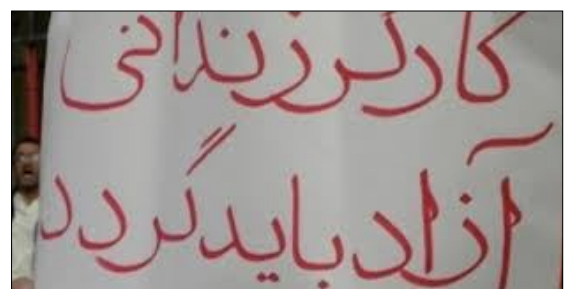


نهادهای کارگری و آزادیخواه و حقوق بشری از این دو فعال کارگری، ایستادگی و مقاومت شورانگیز جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را بر سر حقانیت فعالیت‌هایشان ارج می‌نهد و صدور حکم برائت آنان از سوی دادگاه تجدید نظر را یک پیروزی مهم در مبارزات حق طلبانه کارگران ایران و گامی رو به پیش در مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی ارزیابی میکنند و انتظار دارد رویکرد شعبه ۸ دادگاه تجدید نظر استان مرکزی به یک رویه معمول و جاری در کلیه دادگاههای کشور در نگاه به مبارزات صنفی و مدنی تبدیل شود.

ما با تاکید بر تداوم مبارزات خود علیه امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی، بر آزادی فوری اسماعیل عبیدی، اتنا دائمی و کلیه زندانیانی که به دلیل فعالیت‌های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه در زندانهای کشور محبوس هستند پای می فشاریم و بدینوسیله خواهان پایان دادن به امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی، آزادی ایجاد تشکلهای مستقل محلی و سراسری کارگران و تشکیل نهادهای مدنی و اجتماعی مستقل و وابستگی به دولت و نهادهای قدرت در سطح کشور هستیم. اتحادیه آزاد کارگران ایران اول خرداد ماه ۱۳۹۶

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی را دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شعبه ۸ دادگاه تجدید نظر استان مرکزی (شهر اراک) از اتهامات امنیتی "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" و "تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" تبرئه شدند. این دو فعال شناخته شده جنبش کارگری ایران در پی دستگیری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ در شهرستان ساوه در ارتباط با اعتصاب کارگران کارخانه لوله و نورد صفا و تشکیل دو پرونده امنیتی و کفبری بر علیه شان در مهر ماه سال گذشته، هر کدام به یازده سال زندان در شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر محکوم شده بودند.

در پی این محکومیت، جناب آقای محمد علی جداری فروغی به وکالت از سوی این دو فعال کارگری، اعتراضی را به شعبه ۸ دادگاه تجدید نظر استان مرکزی ارائه و با دفاعیات ایشان و تاکید این دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بر حقانیت فعالیت هایشان، سرانجام امروز حکم برائت آنان از اتهامات امنیتی صادر شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران با قدردانی از زحمات داوطلبانه و شبانه روزی جناب آقای محمد علی جداری فروغی و حمایت جمع ها، شخصیتها، سازمانها و



مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (فرض عضو، تشبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد انتخاب مجدد روحانی

روحانی مجدداً بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد اما او حتی مردمی که به او رای دادند را نمایندگی نمیکند. رای مردم به روحانی اساساً از سر مخالفت با خامنه‌ای و کاندید مطلوبش بود و نه بخاطر توهمی به جناح اصلاح طلب و وعده وعیدها و سیاستهایی که معنی واقعی آنها در چهارسال گذشته چیزی بجز اعدام و زندان و فقر و بیکاری و بیحقوقی بیشتر نبوده است.

مبارزه بود. پیشروترین بخش جامعه با بلند کردن فریاد اعتراض، با افشاکاری و آگاهگری علیه هر دو جناح حکومتی و ایجاد یک فضای قطبی علیه حکومت و انتخاباتش، به مقابله با رژیم برخاست. میلیونها مردمی که در این انتخابات شرکت نکردند در واقع به سرنگونی جمهوری اسلامی رای دادند. قصد و هدف بخش اعظم آنانی که شرکت کردند نیز چیزی بجز تضعیف بیشتر حکومت و ایجاد شرایط مساعد برای تعرض بیشتر به کل جمهوری اسلامی نبود.

از نظر توده مردم آنچه جمهوری اسلامی انتخابات مینامد صرفاً حلقه و مقطعی از کشاکش و جنگ پیگیران با حکومت است. مقابله توده مردم با حکومت اسلامی نه با این انتخابات شروع شده نه با انتخاب مجدد روحانی بیپایان می‌رسد. دوره جدید، برخلاف تبلیغات رسانه‌های استحاله‌چی و طرفداران روحانی، دوره تحکیم و تثبیت رژیم و تمکین و آرامش مردم نیست. برعکس دوره بهم ریختن بیشتر صفوف حکومت، بی‌اعتباری بیشتر خامنه‌ای حتی در میان حکومتی‌ها، تعمیق و تشدید بحران اقتصادی رژیم و مصائب و مسائل ناشی از آن، و تعرض بیشتر کارگران و معلمان و زنان و جوانان است. کل حکومت آبرویخته‌تر، ضعیف‌تر و روسیاه‌تر از معرکه انتخاباتی بیرون آمد و این برای مردم آزاده‌ای که در گیر مبارزه‌ای پیگیر برای تحقق خواسته‌های برحق و انسانی‌شان هستند، فراخوانی برای تعرض بیشتر و همه‌جانبه‌تر است.

آنچه در نهایت سرنوشت مردم را رقم می‌زند نه معرکه‌های چهار سال یکبار انتخاباتی، بلکه جدالی است که میان جامعه و جمهوری اسلامی هر روزه جریان دارد. مردم ایران مندهاست سرنگونی جمهوری اسلامی را انتخاب کرده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶

۲۱ مه ۲۰۱۷

پیام حزب کمونیست کارگری در شب همبستگی با کارگران معدن یورت در استکهلم

پیام به کارگران و خانواده های جانباختگان معدن یورت

فاجعه معدن زمستان یورت در استان گلستان در ۱۳ اردیبهشت ماه امسال که به جانباختن حداقل ۴۵ کارگر و زخمی شدن بیش از هفتاد نفر انجامید، میلیون‌ها نفر در سراسر کشور را در سوگ عمیقی فرو برد. حزب کمونیست کارگری ایران جانباختن کارگران را به شما خانواده‌هایی که عزیزانتان این چنین قربانی سودجویی مستی سرمایه دار و قربانی بیحقوقی تحت حکومت جنایتکار اسلامی شدند، و همچنین به شما کارگرانی که هنوز در شوک از دست دادن همکارانتان هستید و خود با کار پرمشقتان هر روز مرگ را مقابل چشمانتان دیده‌اید، صمیمانه تسلیت می‌گوید و یاد جانباختگان معدن یورت را گرامی میدارد.

شما کارگران معدن یورت بیش از هر کس واقفید که این یک حادثه ساده نبود. یک جنایت آشکار بود. فرزند مراد کمالی وطن آخرین همکار جانباخته شما می‌گوید: "پدرم ۳ روز مانده به این حادثه به ما گفت که من به تونل نمیرم چون خیلی خطر دارد به مسئولان گفتیم که اینجا گاز دارد نمی‌شود کار کرد ولی مسئولان در جواب گفتند اگر کار نمی‌کنید به سلامت". رسانه‌های حکومتی اعتراف کردند که معدن ناامن بوده، تجهیزات ایمنی نداشته، تونل‌هایش یکطرفه بوده و راه خروج دیگری نداشته است. اعتراف کردند که به اعتراضات مکرر معدنچیان توجه نکرده‌اند برعکس نیروی انتظامی کارگران اعتصابی و معترض را باتوم زده و کارفرما با پشتیبانی ارگان‌های دولتی، کارگران معترض را اخراج کرده است.

مسبب این جنایت حکومتی است که قانون اساسی و قانون کارش دست کارفرماها را تماماً بازگذاشته اما کوچکترین حقی برای زندگی و امنیت و اعتراض و متشکل شدن کارگران قائل نشده است. مسبب این فاجعه، دست اندرکاران صدا و سیما می‌گنجد که از عمر این معدن می‌گذرد حتی یک دقیقه به کارگران فرصت ندادند



مشکلاتشان را با جامعه در میان بگذارند تا از این طریق به دولت و کارفرما فشار بیاورند. سیستم قضایی بیرحمی است که با شکایت کارفرماهای مفتخور، کارگران معترض را تحت عنوان اخلاف در نظم و امنیت ملی به دادگاه و زندان میکشاند و به اخراج و شلاق محکوم میکند، مجلس است که در دفاع از سرمایه داران حریص و بیرحم، قانون پشت قانون علیه کارگر وضع میکند. نظامی که میلیارد میلیارد صرف مسجد و امازاده و مقامات و آیت‌الله‌ها و صرف جنایتکاران اسلامی در کشورهای دیگر میکند ولی حتی نسبت به پرداخت چندرغاز حقوقی که خود تصویب کرده است مسئولیتی بعهده نمی‌گیرد.

در یک کلام فاجعه ۱۳ اردیبهشت، کیفرخواستی محکم علیه حکومت اسلامی، قوانینش، قوای قضائیه و مقننه و مجریه اش، ولایت فقیه اش و کل تار و پود این حکومت است. پاسخ جامعه ایران تنها میتواند اعلام همبستگی با معدنچیان و خانواده‌هایشان، تحکیم همبستگی علیه کل این نظام بیرحم و استثمارگر و دفاع هر چه قاطع‌تر از مطالبات و مبارزات کارگران باشد.

ما نهایت تلاش خود را خواهیم کرد که از خواست‌های بحق شما قاطعانه دفاع کنیم و این خواست‌ها را به خواسته‌های عمومی تبدیل کنیم. خواست‌هایی مانند: معرفی و محاکمه صاحبان اصلی معدن و مقامات و مسئولین ارگانه‌های حکومتی که در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری آنها این فاجعه رخ داده است، معرفی کارفرماها و مسئولین ارگانه‌هایی که معدنچیان معترض را اخراج کرده و باتوم زده‌اند و

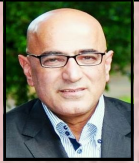
کارگران و خانواده‌های جانباختگان معدن یورت

به شما اطمینان می‌دهیم که این جنایت بی‌پاسخ نخواهد ماند. به شما اطمینان می‌دهیم که روز ۱۳ اردیبهشت را بعنوان روز گرامی‌داشت یاد جانباختگان و بعنوان روزی سیاه در تاریخ جنایات سرمایه دارن و حکومت اسلامی شان زنده نگه خواهیم داشت. به شما اطمینان می‌دهیم که صدای شما را در سطح جهان منعکس کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶

۱۹ مه ۲۰۱۷



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستانفراخوان به مردم
شهرهای کردستان!

مردم شهرهای سنندج و مریوان! نگاریدار هیمن مصطفایی در زندان مرکزی شهر سنندج اعدام شود. ماهشین اعدام جکومت اسلامی میخواهد هیمن مصطفایی جوان ۲۳ ساله اهل مریوان را در زندان مرکزی سنندج حلق آویز کند. هیمن در سال ۱۳۹۰، فردی به اسم ابراهیم محمدی را به قتل رسانده بود.

بعداز ظهر روز دوشنبه عده ای از مردم روستای کانی دینار در نزدیکی شهر مریوان برای جلب رضایت خانواده ابراهیم محمدی به سنندج آمده و ساعت ۱۰ شب همراه عده ای از مردم سنندج در مقابل منزل نامبرده تجمع کردند. شرکت کنندگان در این تجمع در صورت عدم رضایت خانواده ابراهیم محمدی قرار شد ساعت ۲ نصف شب در مقابل زندان مرکزی سنندج تجمع کرده و تلاش خود را برای نجات جان هیمن مصطفایی ادامه دهند.

مردم سنندج و فعالین سیاسی - اجتماعی در چند سال گذشته با دخالت موثر و کارساز مانع اعدام ۵ نفر از کسانی شده اند که پرونده های قتل داشته اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم شهرهای سنندج و مریوان و فعالین اجتماعی و سیاسی را فراخواند، مانع اعدام هیمن مصطفایی شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶
۲۱ می ۲۰۱۷

انفجار مین

انفجار مین در کوهستانهای "شرکه" از توابع پیرانشهر منجر به قطع پای عبدالله نوبخت ۳۷ ساله اهل کهنه خانه پیرانشهر شد.

کشتار ۱۴ راس اسب
کاسبکاران در آشنویه بدست
نیروهای حکومت اسلامی

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶،

۱۳۹۶ در اعتصاب غذا است. نگذاریم عبیدی در زندان و در اعتصاب غذا نابود شود و بعد افسوس بخوریم و به سرمان بزنیم یا او را شهید اعلام کنیم کمپین با شدت تمام ادامه دارد

مرگ دو کولبر در مریوان

۲۴ اردیبهشت، به دلیل واژگونی يك دستگاه پیکان در نزدیکی روستای «دزلی» از توابع شهرستان مریوان، دو کولبر کشته و سه نفر دیگر به شدت مصدوم شده اند.

این کولبران از کوهستان «ته ته» برمیگشتند که خودروی حامل آنها واژگون می شود و دو کولبر جوان که اهل مریوان بودند، جان خود را از دست می دهند.

جمهوری اسلامی حکم اعدام
یک زندانی سیاسی در آرمیه را
صادر کرد!

روز ۳۰ اردیبهشت به يك زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه اطلاع داده شد که او به اعدام محکوم شده است. صدور این حکم در شرایطی صورت می گیرد که این زندانی پیش از این به ۷ سال زندان محکوم شده بود.

نام این زندانی کمال حسن رمضان است. او که ۳۱ سال سن دارد شهروند کرد تبعه سوریه است و در تیرماه سال ۹۳ به همراه دو شهروند دیگر اهل شهرستان ماکو در نزدیکی شهر ارومیه توسط نیروهای سپاه پاسداران بازداشت و به بازداشتگاه امنیتی سپاه منتقل شدند.

کمال حسن رمضان در مرداد ماه سال ۹۴ به اتهام "محاربه از طریق عضویت در پ.ک.ک" به ۱۰ سال زندان محکوم شد. این حکم بعداً به ۷ سال حبس کاهش پیدا کرد.

روز ۳۰ اردیبهشت بدون آنکه دادگاه دیگری برای او تشکیل شود به او اطلاع دادند که بطور غیابی به اتهام "عضویت در پژاک" و "قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی" در سال ۱۳۹۰ به اعدام محکوم شده است. این درحالیست که در زمان یاد شده زندانی مذکور در ایران نبوده است.

کمال حسن رمضان در زندان تحت شکنجه های جسمی و روانی شدید بوده است و زیر این فشارها از

او «اعترافات تلویزیونی» گرفته اند. نحوه رسیدگی به پرونده کمال حسن رمضان یکی از موارد بی رحمانه برخورد قوه قضایی جمهوری اسلامی به «متهمین» است. اول خودشان بدون هیچ دادگاهی حکم اعدام را صادر می کنند و بعد به متهم اطلاع می دهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام صدور حکم اعدام علیه کمال حسن رمضان را شدیداً محکوم می کند و خواهان لغو مجازات این حکم ظالمانه است. جمهوری اسلامی چند روز بعد از معرکه انتخاباتی با صدور چنین احکامی می خواهد به همه نشان دهد که زبانی جز اعدام و کشتار نمی شناسد. کمیته بین المللی علیه اعدام مردم را به مبارزه هر چه وسیعتر برای تحقق خواستهای انسانی خود و از جمله لغو مجازات اعدام فرامی خواند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱ خرداد ۱۳۹۶
۲۲ می ۲۰۱۷

از میان صفحات فیس بوك

صفحه فیس بوك شهناز مرتب
بیاد نیز احمدزاده

نه بز جان یادت را همیشه زنده نگه میدارم در آلبوم عکسهایم دوباره عکسهایت را دیدم و گفتم چقدر زود ما را ترک کردی چهره بسیار مهربانت را فراموش نخواهیم کرد و همینطور مبارزه ات را برای آزادی و برابری در سازمان جوانان کمونیست تو الگوی يك جوان مبارزو کونیست بودی یادت گرامی باد.

صفحه فیس بوك مینا احدی؛

فقط بیکروز بعد از انتخابات مضحک حکومت اسلامی، دستگاه جنایت حکومت، فعالیت روزمره اش را از سر گرفت. روحانی از این مسائل!! خبر ندارد، اگر بحث قتل عمد و جنایت است روحانی دستش کوتاه است اما برای چاپیدن و بول بالا کشیدن و کمک به بقای نظام روحانی گوش شنوا و چشم بینایی دارد. نکته اما اینست که مردم پیا خاسته اند، نمیگذارند بکشند و این صحنه بعد از عکسهای روحانی لبخند بر لب در رسانه های بین المللی باید جهانی شود، فریاد مادری و یا خواهری و یا فردی از خانواده که از ته قلبش شادی و نگرانی و وحشت و پیروزی هر دو را فریاد میزند، مادران و پدران و خواهران و همسرانی که ساعتها و روزها و ماهها این صحنه را در ذهن تکرار کرده اند. که جلادان جگر گوشه اش را میکشند و به آنها میگویند

بروید تمام شد. مردم ایران این صحنه ها را در مورد بسیاری از جوانان دیده اند و خون گریسته اند. وقتی اجرای حکم اعدام متوقف میشود در مقابل زندان در سنندج حاضرین فریادی میزنند که تا همه جای دنیا باید آنرا منعکس کرد تا مردم جهان ببینند که در ایران مبارزه مردم چگونه علیه این حکومت اعدام و جنایت پیش میرود. این فریاد که تا مغز استخوان نفوذ میکند، در عین حال عمق فاجعه ای به اسم اعدام و یا کشتار خونسردانه انسانها در ایران را نشان میدهد به راحتی آب خوردن میکشند برای اینکه بمانند و مردم، و زنان، و همسران و مادران با تمام وجود می جنگند تا این فاجعه را نبینند که در روز روشن و در مقابل چشم همه پر پر شدن عزیزان خود را ببینند اما این رژیم با روحانی و رئیس و با همه اراد و اوپاش اسلامی از پر پر شدن آنها نفس میکشد و هر مقابله ای با اعدام در عین حال خالی کردن زیر پای حکومت اسلامی است. زنده باد جنبش علیه اعدام. مینا احدی

صفحه فیس بوك

نسرین رمضانعلی

مردم در سنندج نگذاشتند
هیمن مصطفایی اعدام شود!

شادی و خوشحالی مردم سنندج در مقابل زندان مرکزی به هنگام پخش خبر لغو موقت حکم اعدام هیمن مصطفایی، مردمی که شب نخواستند تا جلو اعدام را بگیرند!
نه به اعدام، زنده باد زندگی زنده باد مردم سنندج

صفحه فیس بوك

محمد امین کمانگر

(هیمن مصطفایی)
را نجات دادند!

مردم آزادیخواه ایران. امروز رویداد شهر قهرمان پرور سنندج را به تماشا بنشینید. از نیمه شب دیشب تا دم سحر، قلبهای بسیاری از انسانها بتدریج با گرمای شهر سنندج می طپید که آیا قدرت این مردم جان هیمن را نجات خواهد داد یا نه؟ آری او نجات یافت. درود و سلام به این مردم آزادیخواه. با رهایی او از طناب دار، مردم در میان دریایی از انسانیت همیگر را در آغوش می کشیدند. زنده باد قدرت جنبش بخشش.



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



در شهرستانها، بسیاری از خودکشیهای زنان پنهان می ماند

بر اساس اخبار رسیده در طی دو هفته گذشته دو زن جوان در شهر دیواندره از توابع سنندج اقدام به خودسوزی کردند. بر اساس همین گزارش روز شنبه ۲۳ اردیبهشت ۹۶ زنی ۳۰ ساله به نام "ش-ب" در روستای "کوسه مری" از توابع منطقه دیواندره اقدام به خودسوزی کرد که متأسفانه دچار ۶۰ درصد سوختگی گردید و به بیمارستان منتقل شد.

در خودسوزی دیگری در شب پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۹۶ نیز زن جوان ۲۵ ساله به نام بیان محمدی از اهالی روستای "گولانه" خود را به آتش کشید که دچار سوختگی شدید شد و به بیمارستان منتقل گردید. خاطر نشان می شود که موج فزاینده خودکشیها و خودسوزیها در اثر فقر، تحقیر و ناامیدی است. حکومتی که به هر گونه نیاز و مطالبه شهروندی و رفاهی و تفریحی با سرکوب و خشونت پاسخ می دهد، مسئول مطلق این زخم بر پیکر جامعه ایران است.

زینب جلالیان ۶۳ روز در اعتصاب دارو بشر میرود

.....

مانعت از آزادی قدریه قادری در زندان یاسوج

روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه علیرغم ارسال نامه آزادی قدریه قادری، زندانی سیاسی اهل کردستان محبوس در کانون اصلاح و تربیت مادوان یاسوج از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب ارومیه به زندان یاسوج، اما رئیس زندان به بهانه امنیتی بودن پرونده از آزادی ایشان مانعت به عمل آورده است.

اعزام اورژانس آتنا دائمی زندانی در اعتصاب غذا به بیمارستان طالقانی تهران

آتنا دائمی، محبوس در زندان اوین در پی وخامت حالش به بیمارستان طالقانی تهران منتقل و نیمه شب به زندان بازگردانده شد. وزن آتنا دائمی در طول مدت اعتصاب

۱۴ کیلو کاهش داشته و معده اش حتی در مقابل نوشیدن آب نیز واکنش دارد. آتنا دائمی در اعتراض به پرونده سازی و محکومیت قضایی اعضای خانواده اش، از تاریخ ۱۹ فروردین ماه سال جاری دست به اعتصاب غذا زده است.

به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، شب ۲۳ اردیبهشت ۹۶، آتنا دائمی مدافع حقوق بشر محبوس در بند زنان زندان اوین، در سی و پنجمین روز از اعتصاب غذا به دلیل وخامت حالش به بیمارستان طالقانی تهران منتقل و نیمه شب به بند زنان بازگردانده شد.

در هفته اول پنج بار و روز گذشته سه بار دچار تهوع شدید شد. به نحوی که بیش از مقدار آبی که در طول روز خورده بود، زردآب بالا آورد که پزشک بهداری بعد از انجام آزمایش روی این زردآب گفت از کیسه صفراست و معده اش آب نیز دیگر نمی پذیرد. وضعیت جسمی اش هم خیلی بهم ریخته و به شدت ضعیف شده. تا روز یکشنبه ۱۴ کیلو کاهش وزن داشته. شب گذشته هم بعد از اینکه حالش بد شد به بیمارستان طالقانی اعزام شد و نیمه شب دوباره به بند بازگردانده شد.

حکم عجیب قاضی برای زن جوان دو سال شستن مرده ها

زن جوانی که به اتهام رابطه با مردی دستگیر شده بود با حکم قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری تهران به دو سال شستن مرده ها در غسالخانه ها و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد

سوال بحث برانگیز زنان از حسن روحانی در استادایوم ۱۲هزار نفری آزادی

در حاشیه همایش جوانان طرفدار حسن روحانی در استادایوم ۱۲ هزار نفری آزادی "بعد از انتخابات هم می تونم پیام استادایوم؟"

خودکشی دختر ۱۸ ساله در بابل

دختر ۱۸ ساله ای عصر روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت در بابل با حلق آویز کردن خود به زندگیش پایان داد. به گفته اهالی محل، این زن به دلیل اختلاف و نزاع خانوادگی دست به خودکشی زد.

نخستین تلویزیون مخصوص زنان در افغانستان

این تلویزیون برنامه های مختلف فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی دارد؛ برنامه هایی که ابعاد زنانه آن برجسته تر خواهد بود.

مهرآذر حمیدپادگان، گرداننده برنامه های سیاسی، در این تلویزیون می گوید "بحث های رسانه ها بیشتر مردانه است اما ما تغییرش می دهیم و زنانه اش می سازیم تا ببینیم زنان چه تحلیلی و چه برداشتی از سیاست روز دارند."

انفجار بمب در کابل جان دو زن را گرفت

پلیس کابل تایید کرده که در پی انفجار بمب مغناطیسی در نزدیک مرکز این شهر، دست کم دو کارمند شرکت دولتی آبرسانی کشته شده اند.

این انفجار صبح روز شنبه زمانی که این کارمندان به محل کار خود می رفتند، در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی صورت گرفت.

سخنگوی پلیس کابل گفت که هر دو نفری که در این انفجار کشته شدند، زن بودند.



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 23454۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان خطاب به مردم کردستان: در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی شرکت نکنید.

در بساط "انتخابات" جمهوری اسلامی شرکت نکنید آنچه به نام انتخابات در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی جریان دارد، کوچکترین ربطی به حق رأی و حق انتخاب آزادانه آحاد جامعه ندارد. این مضحکه با هیچ استانداردی انتخابات نیست. نه فقط بخاطر شورای نگهبان و هزار فیلتر که حتی خودی های رژیم را هم تصفیه میکند، بلکه مهمتر به این خاطر که آزادی احزاب و مطبوعات و فعالیت سیاسی برای مردم و مخالفین و حتی منتقدین نیم بند حکومت هم وجود ندارد. تحت استبداد و اختناق لیستی از سرسپرده ترین حامیان نظام اسلامی را جلو مردم میکشاند تا با رأی مردم برای خود مشروعیت بخرند. از نظر مردم نه این رژیم و نه این باصطلاح انتخاباتش کوچکترین مشروعیتی ندارند. مردم آزادیخواه کردستان!

مقاومت و ریارویی چهار دهه گذشته شما علیه لشکر کشی و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی، هنوز فاکتور مهمی در مبارزه تانکونی مردم با این رژیم جنایتکار است. نمایش انتخابات رژیم در دوره های گذشته یکی از این میدانهای ریارویی شما با جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی در دوره اول این مضحکه اساسا جرأت برپایی این نمایش در کردستان را نداشت. از آن زمان تاکنون مردم کردستان با عدم شرکت گسترده در این نمایش ارتجاعی باعث انزوی رژیم و دارودسته اش در کردستان شده اند. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر مورد خشم و تنفر مردم است. نه تنها شرکت نکردن در مضحکه پیش رو کمترین انتظاری است که از شما می رود، بلکه در هم پیچیدن و بهم زدن این نمایش مسخره هرکجا که ممکن باشد شایسته سابقه

مقاومت و ایستادگی تانکونی شماست. کمزار "انتخابات" ریاست جمهوری و "شوراهای شهر و روستا"، در واقعیت عرصه کشمکش جناحها و دارودسته های رژیم اسلامی بر سر تقسیم قدرت و گرفتن سهم از حاصل استعمار طبقه کارگر و توده های زحمتکش و غارت منابع و ثروت جامعه است. این بار ماهیت و فرم این معرکه گیری از همیشه آشکارتر در برابر چشمان همگان قرار گرفته است. سران جمهوری اسلامی از جناح های مختلف بشدت نگران عدم شرکت وسیع مردم هستند. خامنه ای و روحانی و رئیسی و قالیباف و خاتمی و لاریجانی ها و سران سپاه و دیگر مسئولین جنایتکار اسلامی علیرغم جدال و کشمکش

شما که خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و این همه مصائب و بی حقوقی ها هستید، شما که خواهان آزادی و برخورداری از یک زندگی مرفه و آسوده هستید، شما که خواهان پایان دادن به تبعیض و بی حقوقی زن و دخالت مذهب در حکومت و در زندگی خود هستید، به پای صندوق های رأی حکومت نروید و همه جا تبلیغ کنید که نباید در این نمایش شرکت کرد. هر بحث و فرصتی در مورد "انتخابات" را به صحنه افشاکری علیه جمهوری اسلامی و پادوهای آن تبدیل کنید و اجازه ندهید با فرمول فریبکارانه انتخاب "بد" به جای "بدتر" جریانانات مجبوزی جمهوری اسلامی بخشی از جامعه را به پای صندوق رأی بکشانند. با نرفتن به پای صندوق ها این بساط را به عرصه رسوایی رژیم تبدیل کنید و عزم خود را برای به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری اسلامی نشان دهید. انتخاب واقعی کارگران و مردم تشنه آزادی در ایران سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و دخالت مستقیم در حاکمیت و اداره جامعه است.

آدرس ارتباط و اعلام حمایت از این بیانیه
byanieh.komonista@gmail.com

امضاها: ۱- حسین مرادیبگی (حمه سور) ۲- اصغر کریمی ۳- فاتح شیخ ۴- مینا احدی ۵- رحمان حسین زاده ۶- مصلح ریبوار ۷- ناصر مرادی ۸- شهلا دانشفر ۹- سعید آرمان ۱۰- سلیمان قاسمیانی ۱۱- لیلیا قاسمیانی ۱۲- جلال محمودزاده ۱۳- محمد آسنگران ۱۴- عبه دارابی ۱۵- کاظم نیکخواه ۱۶- آذر ماجدی ۱۷- مریم افراسیاب پور ۱۸- همایون گداگر ۱۹- نسان نودینیان ۲۰- صالح سرداری ۲۱- نسرين رمضانعلی ۲۲- آذر پویا ۲۳- عبدال گلپریان ۲۴- ملکه عزتی ۲۵- سیامک بهاری ۲۶- خانم صفری ۲۷- هیرس مجید نیا

۱۳۲- کریم شاه محمدی ۱۳۳- محمد سلطانی ۱۳۴- رسول بناوند ۱۳۵- فواد آقابگزاده ۱۳۶- خلیل کیوان ۱۳۷- جمیله راستین ۱۳۸- محمد کریمی ۱۳۹- عبدالله صالح ۱۴۰- هیوا بابان ۱۴۱- هیوا احمد ۱۴۲- بابک یزدی ۱۴۳- خالد تدبیر ۱۴۴- محمد شکوهی ۱۴۵- جبار محمد ۱۴۶- نازنین برومند ۱۴۷- نادر عبدالحمید ۱۴۸- هاشم پاکسرشت ۱۴۹- فرشته مرادی ۱۵۰- همیمن مرادخانی ۱۵۱- بهمن خانی ۱۵۲- میثم کرمی ۱۵۳- هاشم علی ویسی ۱۵۴- میلاد فلاحی ۱۵۵- حسین شکر ۱۵۶- بیژن حاج حسینی ۱۵۷- مصطفی عبدی نژاد ۱۵۸- هاشم کریمی ۱۵۹- هیبت نودینیان ۱۶۰- طه حسینی ۱۶۱- نوشین قادری ۱۶۲- روه زه ز عبداللهی ۱۶۳- کیان آذر ۱۶۴- سوران زکی ۱۶۵- ثناپیر خضرائی ۱۶۶- رفیق محمدی (رفیق دری) ۱۶۷- شمی صلواتی ۱۶۸- لاله محمدی ۱۶۹- نسرين رخزاد ۱۷۰- پردل زارع ۱۷۱- فاروق محمدی ۱۷۲- هادی عبدی ۱۷۳- مهدی طاهری ۱۷۴- پشکو دارابی ۱۷۵- جمیله میرکی ۱۷۶- ناصر صادقی ۱۷۷- وریا ابراهیمی ۱۷۸- محمد چوری ۱۷۹- جمیله نقدی ۱۸۰- عثمان رحمانی ۱۸۱- حسین جلیل پور ۱۸۲- سیفه حیدری ۱۸۳- حامد شهریاری ۱۸۴- جهانگیر نیازی ۱۸۵- محمد عنذیری ۱۸۶- فرهاد زندی ۱۸۷- جلال گلپریان ۱۸۸- شهلا نوری ۱۸۹- بهرام کلزری ۱۹۰- بها لیلی ۱۹۱- رویین پوردریش ۱۹۲- جمال گل حسینی ۱۹۳- آرش نصراللهی ۱۹۴- شیرین شمس ۱۹۵- کامیار نصیری ۱۹۶- اردشیر نظری ۱۹۷- شجاع ابراهیمی ۱۹۸- سلیمان سیگارچی ۱۹۹- محمد خضری ۲۰۰- بابک سراج ۲۰۱- علی کمالی ۲۰۲- بهار ربیعی ۲۰۳- کیا صبری ۲۰۴- محمد صالحی ۲۰۵- هه تاو عبداللهی ۲۰۶- کیوان زنگهی ۲۰۷- زری اصلی ۲۰۸- سعید کلهر ۲۰۹- مصطفی قادری ۲۱۰- شهاب بهرامی ۲۱۱- محمد قادری ۲۱۲- شاهرخ صیادی ۲۱۳- امیر توکلی ۲۱۴- لانه احمد ۲۱۵- سعید سفیدی ۲۱۶- حامد راست کردار ۲۱۷- ژوینین مردوخ ۲۱۸- شاهین رضائی ۲۱۹- بکر عبدالکریم ۲۲۰- فراز آزادی ۲۲۱- شنه احمد ۲۲۲- احمد رحمانی ۲۲۳- جلیل رضایی ۲۲۴- لاروه جواد ۲۲۵- حسام قادر پور ۲۲۶- مازنیار اسفندیاری ۲۲۷- محمود شهابی ۲۲۸- سردار قادری ۲۲۹- فاضل نادری ۲۳۰- صالح صالح پور) صالح کوله سه) ۲۳۱- امیرآئینه چی ۲۳۲- شاهرخ بنایی ۲۳۳- سیمون اصلانی

۲۸- کریم نوری ۲۹- محمود رهبری ۳۰- سیاوش مدرسی ۳۱- اسماعیل ویسی ۳۲- پروین کابلی ۳۳- محسن ابراهیمی ۳۴- سعید یگانه ۳۵- حسن قادری ۳۶- محمد یگانه ۳۷- روناک زندی ۳۸- حسن صالحی ۳۹- سیاوش دانشور ۴۰- سیف خدایاری ۴۱- شیوا محبوبی ۴۲- چمن دارابی ۴۳- یدنی محمودی ۴۴- سیوان کریمی ۴۵- پدرام نو اندیش ۴۶- سیما بهاری ۴۷- فرهاد رضایی ۴۸- فریده رضایی ۴۹- محمد نعمتی (پیام) ۵۰- الهام صالح نیا ۵۱- سوسن هجرت ۵۲- شویو مرادی ۵۳- ستار نوریزاد ۵۴- علی قادری ۵۵- فریبرز فخاری ۵۶- ابو شریفزاده ۵۷- سپروان قادری ۵۸- هاشم ترکمن ۵۹- عباس ایانغ ۶۰- سیف صادقی ۶۱- علی مطهری ۶۲- ایرج آبشار ۶۳- شیرزاد چوپانی ۶۴- جمال کمانگر ۶۵- رضا کمانگر ۶۶- محسن حسینی ۶۷- مصطفی صابر ۶۸- ایرج فرجاد ۶۹- کیوان جاوید ۷۰- مهین دارابی ۷۱- ابراهیم حیدری ۷۲- مسعود آرنوش ۷۳- حبیب نصوحی ۷۴- کاروان درسید ۷۵- هرمز رها ۷۶- عزیزه لطف الهی ۷۷- لیلیا ارغوانی ۷۸- شیدا ارغوانی ۷۹- هه ژار علویور ۸۰- نوید محمدی ۸۱- خبات کریمی ۸۲- لیلیا شعبانی ۸۳- فخری جواهری ۸۴- احمد بابایی ۸۵- ناصر اصغری ۸۶- صابر رحیمی ۸۷- علی شریفی ۸۸- محمود محمدزاده سیسری ۸۹- رویین پور درویش ۹۰- عبدالله محمود ۹۱- فریده آرمان ۹۲- علی پیر زاده ۹۳- ناصر نسیمی ۹۴- عبه سعید مرادی ۹۵- مریم ناره ۹۶- حسین احمدی نیا ۹۷- پروین معازی ۹۸- حیدر گوبلی ۹۹- شایسته طاهرخانی ۱۰۰- ریبوار رسولی ۱۰۱- نسرين باباسلجی ۱۰۲- بهمن تقی پوریان ۱۰۳- امین کمانگر ۱۰۴- رحیم آئینی ۱۰۵- هوشیار سروش ۱۰۶- فرزاد عبدالله پوران ۱۰۷- محمد هوشمند ۱۰۸- روناک ناصری ۱۰۹- مختار محمدی ۱۱۰- تیمور امجدی ۱۱۱- نسرين امیری ۱۱۲- ناهید روشن ۱۱۳- رحمت ابراهیمی ۱۱۴- نسرين محمودی آذر ۱۱۵- نسرين رخزاد ۱۱۶- شهلا خباززاده ۱۱۷- خالد صالح ۱۱۸- ریبوار عارف ۱۱۹- سوسن صابری ۱۲۰- عزت دارابی ۱۲۱- محمود خاخری ۱۲۲- عمر کریمی ۱۲۳- منصور ترکاشوند ۱۲۴- فوزیه نصرت پور ۱۲۵- علیرضا شافعی ۱۲۶- عمر معروفی ۱۲۸- کریمی هاپوچا ۱۲۹- حمه غففور ۱۳۰- رحیمیزدانپرست ۱۳۱- هادی عبدی

۲۳۴- بهره حسین ۲۳۵- سرور کاردار ۲۳۶- طه آزادی ۲۳۷- بانو نوری ۲۳۸- محمد نوری ۲۳۹- نسرين بشارت ۲۴۰- سلیمان نقدی ۲۴۱- مصطفی یونسی ۲۴۲- عبدالله محمودی ۲۴۳- سیامک شعاعی ۲۴۴- امیر افشار ۲۴۵- یوسف خلیل پوراآذر ۲۴۶- احد گلابادی ۲۴۷- امیر زاهدی ۲۴۸- نوید استاد بیگی ۲۴۹- محمد حیدری ۲۵۰- سوران بادفر ۲۵۱- غلام اسکندری ۲۵۲- مهرداد سلیمی ۲۵۳- اسعد حاج حسینی ۲۵۴- سودابه شکیبا ۲۵۵- ابو مهربانی ۲۵۶- پری رشیدیان ۲۵۷- کامبیز خیبری ۲۵۸- شاهو فاتحی ۲۵۹- شادی بهار ۲۶۰- سعید کرامت ۲۶۱- یدنی کوهی ۲۶۲- هلینا قربانی ۲۶۳- بهمن زاکرنژاد ۲۶۴- موسی تلاش ۲۶۵- فرزانه درخشان ۲۶۶- گیتی موسوی ۲۶۷- جمال پیرخضری ۲۶۸- خالد ناصری ۲۶۹- هستی طاهری ۲۷۰- سعید حبه رشید سیسیری ۲۷۱- سمکو ابراهیمی ۲۷۲- حامد محمدی ۲۷۳- مهدی منافی ۲۷۴- فخره صادقی ۲۷۵- علی کمالی ۲۷۶- هدایت ملا علی ۲۷۷- بهرام جهانبخش ۲۷۸- سامان صنعانی ۲۷۹- سیامک زارع ۲۸۰- صلاح کفاشی ۲۸۱- شرمین بهمنی ۲۸۲- امیر زندی ۲۸۳- محمد رضا پویا ۲۸۴- حسین جلیل پور ۲۸۵- آرش ناصری ۲۸۶- سلیمان رسولی ۲۸۷- حبیبیه چوپانی ۲۸۸- شهرباب وفا ۲۸۹- صبری امیر حسینی ۲۹۰- آرزو فتاح نژاد ۲۹۱- سعدی فتاح نژاد ۲۹۲- طغرا قره گوزلو ۲۹۳- اسو عبدی نژاد ۲۹۴- زهرا فتاح نژاد ۲۹۵- کارو فتاح نژاد ۲۹۶- اسرین واصلی ۲۹۷- داوید آرام ۲۹۸- غلام اکبری ۲۹۹- کریم کانیسه ۳۰۰- جمال خسروی ۳۰۱- مریم صادقی ۳۰۲- فرهاد رمضانعلی ۳۰۳- ظاهر مولودی ۳۰۴- محب بختیاری ۳۰۵- شلیر فرزانه ۳۰۶- سعید اعتزادزاده ۳۰۷- شاهین ناصری ۳۰۸- امید جهانگیری ۳۰۹- نسرين صفری ۳۱۰- فوزیه بختیاری ۳۱۱- فرشته نظام آبادی ۳۱۲- ایوب حسینی ۳۱۳- حسین اسماعیلی ۳۱۴- جمال صابری ۳۱۵- ناصر بختیاری ۳۱۶- سیامک امجدی ۳۱۷- پیام آذر ۳۱۸- فرهاد یوسفی ۳۱۹- مرژگان مظهر سرمندی ۳۲۰- اسعد سلیمانی ۳۲۱- نگار سرو علیشاهی ۳۲۲- سیروس ایل بیگی ۳۲۳- سارا نخعی ۳۲۴- آوات فرخی ۳۲۵- نشیمل حبیب پناه ۳۲۶- مریم سلطانی ۳۲۷- جمشید اساسی ۳۲۸- شریفه کیوان ۳۲۹- فرج شهبانی ۳۳۰- علی امیدی ۳۳۱- عارف اریا) عارف نیزل) ۳۳۲- کیان

از صفحه ۸ بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان ..

آزادی ۳۳۳- محمود احمدی ۳۳۴-
 مژگان سرمندی ۳۳۵- محمد محمدی
 ۳۳۶- عثمان رسولی ۳۳۷- پروانه
 قادری ۳۳۸- پرویز فکوربان ۳۳۹-
 محمود جوانمردی ۳۴۰- آوات صادقی
 ۳۴۱- مینو میرانی ۳۴۲- محسن
 بغدادی ۳۴۳- سکو نوری ۳۴۴- وریا
 محمدی ۳۴۵- غفور زرین ۳۴۶- رادیو
 پیام کانادا ۳۴۷- سمیر نوری ۳۴۸-
 کیومرث کابلی ۳۴۹- ثریا خضری
 ۳۵۰- مهران محبویی ۳۵۱- ریحانه
 جباری ۳۵۲- ولی رستمی ۳۵۳- کاوه
 عمر ۳۵۴- ندا اسفندیاری ۳۵۵- اسد
 حیدری ۳۵۶- پرویز راستگو ۳۵۷-
 سحر باباسلجی ۳۵۸- محمد عابدیان
 ۳۵۹- ترانه باران ۳۶۰- کیوان کتابی
 ۳۶۱- رضا مرادی ۳۶۲- ناصر صادقی
 ۳۶۳- دنیس میر ۳۶۴- ناهید نوین
 ۳۶۵- توفیق پیر خضری ۳۶۶- ناصر
 کشگولی ۳۶۷- ناصر اقباشلو ۳۶۸-
 شورش مولانی ۳۶۹- هادی رحیمی
 ۳۷۰- ابراهیم محمدیان ۳۷۱- عزیز
 عبدالله پور ۳۷۲- احمد نیک جو ۳۷۳-
 نبی مردانی ۳۷۴- امید محمدی
 ۳۷۵- کبری احمدی ۳۷۶- وریا امجدی
 ۳۷۷- علی دماوندی ۳۷۸- رشید
 علیزاده ۳۷۹- ژوئین خضری ۳۸۰-
 سعید مدانلو ۳۸۱- سیاوش آذری
 ۳۸۲- داوود رفاهی ۳۸۳- بیستون
 بیگ زاده ۳۸۴- سونیا محمدی ۳۸۵-
 صلاح ایراندوست ۳۸۶- موسی یوسفی
 ۳۸۷- شیرین پیرخضری ۳۸۸-
 کوستان امینی ۳۸۹- نینا کریمی
 ۳۹۰- حمید تقویایی ۳۹۱- پارسا
 حسینی ۳۹۲- احمد حسینی ۳۹۳-
 سارا مددی ۳۹۴- ملاح مرتضوی
 ۳۹۵- ماهرخ فیروزه ۳۹۶- مسعود
 صالحی ۳۹۷- سروزان سینایی ۳۹۸-
 میلاد رباعی ۳۹۹- نگار قنبری ۴۰۰-
 نسرين قنبری ۴۰۱- احسان مفتاحی
 ۴۰۲- حسین محققین فلاحی ۴۰۳-
 سناز سینایی ۴۰۴- مریم بنایی ۴۰۵-
 سارا مس اف ۴۰۶- حمید آرمیون
 ۴۰۷- آرمین فتحی ۴۰۸- شادی
 شوشتری ۴۰۹- سحر ادیب ۴۱۰-
 میلاد رسایی منش ۴۱۱- مهدی
 دهقان پور ۴۱۲- حامد صدرا ۴۱۳-
 مریم کمالی ۴۱۴- کیوان رضوی نیا
 ۴۱۵- ندا اسفندیاری ۴۱۶- جمیل
 فرزانه ۴۱۷- مجید حمیدیان ۴۱۸-
 دردانه خسروی ۴۱۹- فرشته بهمنی
 ۴۲۰- صباح زارع ۴۲۱- راضیه
 صلواتی ۴۲۲- آرمین دشتی ۴۲۳-
 مهدی پویا ۴۲۴- حمید برمن ۴۲۵-
 ابراهیم شیروانه ۴۲۶- کیمیا خوشپیام
 ۴۲۷- بهمن سلطانی ۴۲۸- جلال
 برخوردار ۴۲۹- لیلا صدری ۴۳۰-
 سعید عابدینی ۴۳۱- سام پارسی
 ۴۳۲- لیلا صدری ۴۳۳- نازلی

برای من اینها بخشی از گذشته پرافتخار مبارزاتی ام هستند



مینا احدی

بود. آنقدر از دیدار برخی از نزدیکترین دوستانم خوشحال شدم و فریاد شادی زدم که روزهای بعد صدایم کاملاً گرفته بود. لحظه دیدار با سعیده هر دو چنان فریاد زدیم که اطرافیان بسوی ما برگشته و با لبخند این صحنه را نظاره میکردند.

دین هر چهره تازه ای برایم یاد آور خاطرات عزیز بسیاری بود. همسایه هایم در اردوگاه، زنانی که بارها باهم در کنفرانسها و فعالیتهای آشپزیها و هالپارکها شرکت کرده و بارها در غم از دست دادن همسنگرانمان باهم گریسته بودیم....

برای من اینها بخشی از گذشته پرافتخار مبارزاتی ام هستند، بخشی از خانواده ام که با صمیمیت و انسانگرایی و مبارزه سرسختانه در مقابل حکومت اسلامی، و در سنگر دفاع از حقوق و حرمت زنان منشأ تاثیرات مهمی در کردستان و ایران بودیم. اکنون هر يك در گوشه ای از جهان زندگی میکنند و لابد هر کس در هر جایی که هست تاثیربری در محیط و یا فعالیتی در حزب و یا سازمانی دارد. آن شب جای بحث و جدل سیاسی نبود، جایی بود که بعد از سالها دیدار تازه کردیم و با هم ساعات خوشی را سپری کردیم.

۲۱ ماه مه ۲۰۱۷



از ماشین که پیاده میشوم، زنان زیادی را می بینم که دسته دسته از ماشینها پیاده میشوند، لباسهای رنگارنگ بر تن دارند تو گویی همه ما به یک جشن عروسی میرویم.

اولین دسته زنان را که می بینیم، احوالپرسیها شروع میشود، به گرمی همدیگر را در آغوش می کشیم و از وقتی که وارد سالن میشوم تا حدود یکساعت بعد از آن فقط میروم با اکثر آنهايي که آنجا هستند سلام علیک کنم و با آنها کوتاه حرف بزنم، از اینکه الان کجا زندگی میکنند، آیا بچه دارند و آیا نوه دار شده اند تا خاطراتی کوتاه از دوران زیبای باهم بودن، باهم مبارزه کردن و باهم مشکلات زیادی را پشت سر گذاشتن.

۱۸۰ نفر از زنانی که در سالهای سیاه به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، در صفوف کومه له جمع شده بودند، در آن شب کنار هم هستیم، تازه اینها شاید يك چهارم زنانی هستند که در آن سالها در کردستان فعالیت میکردیم، ما ۱۸۰ نفر در آن شب در استکهلم بعد از سالهای سال همدیگر راملقات کردیم و برایم يك شب به یاد ماندنی شاد و خاطره انگیز شد که با رقص و پایکوبی و خنده و شادی عجیب

هوایمی ما در دسلدرف، به دلیل وزش باد و هوای نامناسب با یکساعت تاخیر حرکت میکنند، و تکناهای شدید لحظات اول پرواز ما بظرف استکهلم، برایم یادآوری و یا تاکیدي است بر چندین برنامه مهیج در هفته ای که پیش رو دارم، در استکهلم و در برلین.

دو ساعت پرواز به سرعت میگذرد چرا که با شایسته و مریم همسفر هستم، با این دو دوستم برای دیدار با زنانی میرویم که سالهای سال با آنها در يك سنگر فعالیت و زندگی و مبارزه کرده ایم. شایسته و مریم و پروین و نسرين زنانی که از آلمان به سوئد میرویم، از جمله صداهای زنی هستند که حدود ۲۷ سال پیش در کردستان آنها را دیده و با آنها دوست شدم و اکنون به همت تعدادی از همین دوستان برای دومین بار زنان پارتیزان، زنان پیشمرگ که در صفوف کومه له و سپس حزب کمونیست ایران فعالیت داشتیم، بعد از سالها دور هم جمع میشویم. من البته اولین بار هست در این برنامه شرکت میکنم.

شب ۱۳ ماه مه در حالیکه بهترین لباسهایمان!! را پوشیده ایم، به همراه سوسن و آذر و سیما راهی محل دیدار و جشن میشویم.

۵۳۰. علی مقدم ۵۳۱. فریدون نصیر پور
 ۵۳۲. حسیبه لطفی زر ۵۳۳.
 ماشالله آتشکار ۵۳۴. آزاد خاده
 ۵۳۵. فاتح بهرامی ۵۳۶. ایرج رضایی
 ۵۳۷. شه می حکیمی ۵۳۸. فرنگیس
 ۵۳۹. اقبال نظرگاهی ۵۴۰. یحیی محمدی
 ۵۴۱. فاطمه محمدی
 ۵۴۲. فریده اقاچانی ۵۴۳. خدر
 نلوسه ۵۴۴. رونک خضری ۵۴۵. علی محمدی (علی خواست) ۵۴۶. کیوان

۵۵۸. مهدی پویا ۵۵۹. بهرام رحمانی
 ۵۶۰. کریم سیسیری ۵۶۱. رحمان
 قادری ۵۶۲. ناصر محمودی ۵۶۳.
 گوهر محمدرزاده ۵۶۴. شنو احمدی
 ۵۶۵. ظاهر آدمی ۵۶۶. زردشت
 احمدزاده ۵۶۷. بهروز مهربادی

زنده باد انقلاب انسانی!
 برای جامعه ای انسانی!

در مورد همراهی شش حزب کرد با همدیگر! دو سؤال از محمد آستگران

ایسکرا: دو روز قبل از انتخابات جمهوری اسلامی پانلی در کردستان عراق برگزار شد. در این * پانل رهبران شش جریان کرد، کردستان ایران به عنوان پانلیست سوالات گرداننده پانل را پاسخ دادند. مصطفی هجری میگوید در سالهای گذشته حزب دمکرات کردستان ایران تمام راههای مختلف برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی را پیموده اما بجای نرسیده است. تعدادی از آنها از مذاکره با جمهوری اسلامی گرفته تا بقول خالد عزیزی دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان مبنی بر تمایل به بازگشت به ایران و انجام فعالیت‌های مدنی، از قربانی دادن رهبران نشان گرفته تا دعوت مردم به شرکت در نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و شوراها شهر و روستا را پشت سر گذاشته اند. این شش جریان قبلا گفته بودند که همکاری آنها ادامه خواهد یافت و ادامه آنرا در چنین پانلی شاهد هستیم. به نظر شما شرکت کنندگان در این جلسه چه اهدافی را دنبال میکردند؟

محمد آستگران: اجازه بدهید ابتدا بگویم در این پانل حزب دمکرات کردستان و حزب کومه له مهتدی ضمن همراهی با بقیه در مورد تحریم انتخابات ریاست جمهوری معتقد بودند که نباید شرکت در انتخابات شوراها شهر و روستا را تحریم کرد. حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زحمتکشان و سازمان خبات و حزب کمونیست ایران (کومه له) سیاستشان تحریم انتخابات ریاست جمهوری و شوراها اسلامی بود.

اما در مورد این که چه اهداف مشترکی را تعقیب میکردند، باید بگویم هر کسی با شنیدن حرفهای آنها در این پانل متوجه میشود که همه آنها خواهان نزدیک شدن و

فعالیت مشترک با همدیگر بودند. همه آنها متفق القول بودند که اوضاع سیاسی ایران و منطقه متحول شده و باید اقدامات متحدانه و مشترکی را در دستور بگذارند. اما استراتژی و افق مشترک این احزاب اینطور بیان شد که در قدم اول ضمن اعلام آمادگی برای مقابله جدی تر با جمهوری اسلامی قابلیت این را پیدا کنند که دولتها و قدرتهای منطقه ای آنها را جدی بگیرند و کمک کنند.

ابراهیم علیزاده که تا حدودی تلاش کرد پراگماتیستی تر از بقیه حرف بزند تاکید اش بر این بود که الان و در قدم اول نباید به قدرتها و دولتها امید بست چون آنها دنبال سازش با جمهوری اسلامی هستند. کاملا آشکار بود که او نه بخاطر ماهیت ارتجاعی و گسترش جنگ و تروریسم این دولتها و نقش مخرب آنها در منطقه، بلکه به خاطر امکان سازش آنها با جمهوری اسلامی نمیخواهد در قدم اول به این دولتها اتکا کند.

اما در عین حال تاکید علیزاده بر این بود اگر روزی شرایط این کار آماده شد میتوانند با دولتها هم وارد مذاکره شوند. او تاکید کرد این کار برای کومه له تا بو نیست. زیرا در کردستان سوریه حزب پ.ی.د. با آمریکا همکاری میکند و در این مورد کومه له نقدی به آنها ندارد. در همین رابطه گرداننده پانل هم اعلام کرد: معلوم است ابراهیم علیزاده مخالفتی با مذاکره با ترامپ ندارد. عبدالله مهتدی و عمر ایلخانیزاده با لبخندی معنا دار نگاهی عاقل اندر سفیه به او انداختند و اطمینان حاصل کردند بلاخره علیزاده هم سر براه شد!

در ادامه پانل عبدالله مهتدی در ادامه جهتگیری جلسه صریحتر از بقیه از بارزانی بعنوان "رهبر کرد" اسم برد و عاجزانه از او درخواست

کرد با توجه به روابط گسترده ای که با دولتها دارد احزاب کردستان ایران را کمک کند تا بتوانند رابطه دیپلماسی و لابیگری با این دولتها را آغاز کنند. سازمان خبات هم اعلام کرد که آنها ضمن حضور در جبهه احزاب کرد، پیمان همکاری با سازمان مجاهدین خلق هم دارند و مشکلی با این سیاست ندارند. بقیه احزاب و شرکت کنندگان از احزاب کردستان عراق در این جلسه هم همگی بر این امر توافق داشتند که احزاب کردستان ایران باید راه استفاده از امکانات دولتها را فراهم کنند.

بنابر این تنها نکته تازه و قابل توجه در این پانل تاکید بر استفاده از شکاف دولتهای منطقه و آمریکا علیه جمهوری اسلامی بود.

ایسکرا: پرسش دوم این است

که اخیرا سازمان راه کارگر در انتقاد به شرکت کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) از همراهی با احزاب ناسیونالیست کرد و بازی در چهارچوب سیاست دولتهای منطقه امضای خود را از بیانیه مشترک شورای همکاری سازمانهای چپ و کمونیست برداشته است. علاوه بر این سازمان فدائیان اقلیت نیز که یکی دیگر از اعضای "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" است اخیرا در نوشته ای تحت عنوان، "تناقضی که حزب کمونیست باید آنرا حل کند" به نقد رویکرد اخیر کومه له و قرار گرفتن در جبهه جریانانات ناسیونالیست کرد پرداخته است. آیا فکر میکنید کومه له به این سیاست ادامه خواهد داد؟

محمد آستگران: بنظر میرسد

ابراهیم علیزاده این بار صریحتر از همیشه از سر عشق به "خلق کرد" افق ناسیونالیستهای کرد را قدم به قدم پذیرفته و تصمیم خودش را گرفته باشد. این البته امر تازه ای نیست. از روزی که باز خوانی

تاریخ حزب کمونیست ایران را به روایت دلخواه سازمان زحمتکشان (که قبلا سابقه نداشت) تبیین کرد و تاریخ واقعی این حزب را دلبخواهی و باب میل ناسیونالیستها تغییر داد، از همان روز این چرخش سیاسی بشکل رسمی و آشکار آغاز شد. رادیکالیسم نیم بند و بدون نقد کمونیستی به احزاب ناسیونالیست کرد از نظر علیزاده قرار است کومه له را قدم به قدم به جهتی سوق دهد که فاصله خود با مهتدی و ایلخانی زاده را کم رنگتر کند. این تحركات اخیر ابراهیم علیزاده غیرمستقیم در جهت نامه وحدت طلبانه عبدالله مهتدی است که قبلا به شکل علنی منتشر شد.

او در تبیین حکومت جمهوری اسلامی و عربستان هم بسیار محتاط و آگاهانه از ماهیت اسلامی این دو دولت چشم پوشید و تنها به ماهیت سرمایه دارانه آنها و نه ایدئولوژی تروریسم اسلامی آنها پرداخت. این پراگماتیسم و راست روی او امروز تا حد همکاری با سازمان خبات و همکاری با احزاب ناسیونالیست کرد کش داده شده است. بنابر این ادامه این سیاست علیزاده ضمن همراهی با دیگر احزاب ناسیونالیست و اسلامی کرد بطور ویژه نزدیکی بیشتر با مهتدی و ایلخانی زاده است.

سکوت او در مورد ماهیت اسلامی این جریانات و ماهیت ناسیونالیستی احزاب کردستان ایران و عراق امری آگاهانه و برای رسیدن به اهدافی از نظر او قابل دسترس است. به همین دلیل کمونیسم و رادیکالیسم دیگر حکم حلوی نسبی را برای او پیدا کرده است.

از نظر من تا وقتی که این پرچم و سیاست همگرایی با احزاب ناسیونالیست کرد و همکاری با سازمانهای اسلامی از نوع خبات که متحد سازمان مجاهدین خلق هم هست مشخصه کومه له باشد احزاب چپ و کمونیست باید با

صراحت تمام این سیاستها را نقد کنند و اجازه ندهند عکس گرفتن یادگاری با چپها و کمونیستها را دستمایه توهم پراکنی خود بکنند.

این اقدامات اخیر کومه له با هر توجیهی که برای آن داشته باشند بجز ایجاد توهم در میان مردم نسبت به جریانات اسلامی و ناسیونالیست در کردستان چیز دیگری به ارمغان نمی آورد. آیا چپ این سازمان با این سیاست همراه میشود یا نه هنوز معلوم نیست.

* روز ۱۷ ماه مه ۲۰۱۷ "مرکز تحقیق و بررسی روداو" که یکی از موسسه های زیر مجموعه حزب بارزانی است پانل دیگری با شرکت احزاب کرد، کردستان ایران سازمان داد. این پانل با شرکت رهبران اصلی احزاب کرد (مصطفی هجری و نظیف از حزب دمکرات کردستان ایران)، (مصطفی مولودی از حزب دمکرات کردستان)، (ابراهیم علیزاده از کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، (عمر ایلخانی زاده و رضا کعبی از کومه له زحمتکشان)، (عبدالله مهتدی از حزب کومه له) و (بابا شیخ از سازمان خبات) برگزار شد. علاوه بر پانلیستها کسان دیگری به عنوان ناظر و شرکت کننده به این جلسه دعوت شده بودند. تعدادی از آنها نمایندگان شاخص احزاب کردستان عراق بودند. از جمله (علی عونى از رهبران شناخته شده حزب بارزانی)، (ابوبکر هله دنى رئیس فراکسیون اتحاد اسلامی کردستان عراق)، (مازن عواد يك نفر عرب زبان که به عنوان مشاور رهبری روداو معرفی شد) و تعداد دیگری از افراد صاحب نظر و نمایندگان احزاب و مسئولین تلویزیون روداو و ژورنالیستهای موسسه روداو ... در این جلسه حضور داشتند.

کمک مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

شیرزاد چوپانی
۱۰۰ یوندد

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdulgolparian1@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی در گیر در صحنه امروز کردستان عراق و افتقهای ضد مردمی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همبستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!